

فصلنامه



عصر گردشگری

سال هفتم، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۹۲

روحیات ملل: هند

پرونده این شماره:

گردشگری پایدار

فهرست مطالب

سخن سردبیر ۲

همسفر ۳

پرونده این شماره:

گردشگری پایدار ۶

اهداف جهانی گردشگری پایدار ۸

نظریه های گردشگری پایدار ۱۰

منشور جهانی اطلاق گردشگری ۱۹

نمونه‌ای از توسعه ی پایدار در ایران ۲۱

گردشگری پایدار و نگاهی کوتاهی به رویکرد

کشور فرانسه ۲۳

روحیات ملل: هند ۲۶

باد زنگی ۳۰

معرفی کتاب ۳۴



فصلنامه

عصر گردشگری

سال پنجم، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۹۷



صاحب امتیاز:

انجمن علمی مدیریت گردشگری و هتلداری دانشگاه شیراز

شماره مجوز: ۳۴۴/ک ن ش

مدیر مسئول: مائده امیری

سردبیر: سارا ایمانیان

استاد مشاور انجمن علمی: دکتر معصومه محرر

ویراستاران:

مائده جمشیدی-آناهیتا عثنی-عشری-هومن گرمز نژاد

گرافیکست و صفحه آرا:

سید داوود طباطبایی

هیئت تحریریه:

رضا بحرانی-مریم زارع-محمد شیخلو-نیما مشیری لنگرودی-

هلیا دلخوش-آناهیتا عثنی-عشری-مائده امیری-سارا ایمانیان-

ندا ربیعی

قیمت: ۲۰۰۰ تومان



@shirazu_saths



@shirazu_saths

سخن سردبیر

زمین همواره سخاوت خود را ارزانی بشر کرده و انسان برای بهره از این لطف و سخاوت به دنبال کشف آن در سراسر جهان به جستجو پرداخته. اما حالا از شواهد به نظر میاید که ارتباط انسان و طبیعت همچون گذشته روند خود را طی نمی کند و زمین به نحوی قربانی خودخواهی انسان شده است. مسئولیت صنعت گردشگری در جبران دلخوری زمین بیشتر از دیگر نهادهاست چراکه علمی محسوب میشود که مدیریت آن را به عهده دارد، اگرچه هر انسانی به نوبه ی خود مسئولیت زیادی در قبال آن دارد.

صنعت گردشگری با سرعت بسیاری در حال تبدیل شدن به بزرگترین تجارت جهانی است که دوام آن ملزوم به رعایت مواردیست. مفهوم گردشگری پایدار یا مسئولانه طی سال های اخیر وارد حوزه ی گردشگری شده و بسیار حائز اهمیت است. توسعه پایدار گردشگری دارای دو جنبه حفاظت از محیط زیست و منابع و میراث فرهنگی جوامع است و هدف آن توجه به محیط زیست، حفظ تنوع، کاهش مصرف بیش از حد و حفظ ارزش های محلی و بومی به منظور حفظ بقای منابع گردشگری ضمن توسعه ی گردشگریست.

در این شماره از مجله ی عصر گردشگری سعی شده که به ابعاد گوناگونی از این نوع گردشگری پرداخته شود و اصلی ترین هدف از آن گسترش این فرهنگ میان آحاد جامعه است. به امید دیدن زیباتر ایران فردا.

سارا ایمانیان



همسفر!
قصه‌ی ما قصه‌ی یک عمر تلاش و کوشش
قصه‌ی ساختن ایران است...

ما به تاریکی‌ها
به غم و سختی‌ها
به همه و سوسه‌ها نه گفتیم

همسفر
راه همین نزدیکی است
من پلی خواهم ساخت
تو پلی خواهی ساخت
تا دل آبادی!

از خزر تا عمان
همگی در هجرت
از من خسته
به مایی محکم
تا بسازیم و نسوزد ایران
کار ما ساختن است
رفتن و سوختن و غربت و درد
همه ارزانی آنها که وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرند
من سفر خواهم کرد
تو سفر خواهی کرد
از بلندا به عمیق
از برون‌ها به درون
از همین نقطه به این نقطه که در آن هستیم
ما همین جا خوبیم

سید محمد مهدی سهرابی

عصر
گردشگری

شماره پانزدهم، پاییز ۹۷





پرونده این شماره:

گردشگری پایدار



1 NO
POVERTY



2 ZERO
HUNGER



3 GOOD
AND W



6 CLEAN WATER
AND SANITATION



7 AFFORDABLE AND
CLEAN ENERGY



8 DECENT
ECONO



11 SUSTAINABLE CITIES
AND COMMUNITIES



13 CLIMATE
ACTION



14 LIFE BELOW
WATER



15 LIFE
ON LA



گردشگری پایدار

آناهیتا اثنی عشری

برای تعریف گردشگری پایدار ابتدا به تعرف واژه گردشگری از دید سازمان جهانی گردشگری میپردازیم.

گردشگری عبارت است از : مجموعه فعالیت هایی که یک فرد برای استراحت و کار یا دلایل دیگر به محیطی غیر از محیط معمول زندگی خویش سفر کرده و بیشتر از یک شب و کمتر از یک سال متوالی در آنجا اقامت کند.

حال گردشگری پایدار میخواید که با اتکا بر مفهوم توسعه پایدار، صنعت گردشگری در عین سود دهی اقتصادی، کمترین تاثیر را بر جامعه میزبان و محیط زیست داشته باشد. توسعه پایدار توسعه ای است که نیاز های نسل کنونی را بدون به مخاطره انداختن نسل های آینده تامین میکند.

گردشگری همواره اثراتی اعم از اثرات مثبت و منفی، بر محیط زیست و جوامع مقصد میگذارد. اما بدون شک توسعه گردشگری بدون مدیریت اثرات آن میتواند باعث آسیب به محیط زیست، فرهنگ و جامعه میزبان شود.

با رعایت گردشگری پایدار میتوان تا حد ممکن به نکات مثبت گردشگری افزود و از نکات منفی آن کاست.

با گسترده شدن صنعت گردشگری در مناطق مختلف جهان، برخی از کشورهای پیشرو در این صنعت با مسائل ناشی از آثار نامطلوب بر منابع طبیعی، محیط زیست، آلاینده‌گی ها و الگوی مصرف و نظام های اجتماعی مواجه شده اند و در نتیجه مفهوم تازه گردشگری پایدار مورد توجه عده زیادی قرار

گرفته است. لازم به ذکر است که هر صنعتی پیامدهایی دارد، گردشگری نیز هرگز به طور کامل پایدار یا بدون اثر نخواهد بود ولی دست کم میتواند در جهت پایدارتر و سازگار تر شدن با محیط گام بردارد.

اهمیت موضوع گردشگری پایدار در سطح جهان به اندازه ای است که در سال ۲۰۱۷ میلادی از سوی سازمان جهانی جهانگردی به عنوان سال جهانی گردشگری پایدار: ابزاری برای توسعه برگزیده شد.

اصول گردشگری پایدار:

- ۱) استفاده از ماهیت پایدار گونه
- ۲) کاهش بیش از حد مصرف و اتلاف
- ۳) حفظ و ارتقای تنوع طبیعی، اجتماعی و فرهنگی برای پایداری دراز مدت گردشگری
- ۴) برنامه ریزی
- ۵) حمایت از نظام اقتصاد محلی
- ۶) مشارکت اجتماع های محلی
- ۷) مشاوره بین صنعت گردشگری و اجتماع ها و سازمان ها و نماد های محلی
- ۸) آموزش خدمه و استخدام خدمه محلی
- ۹) مسئولیت بازاریابی صنعت گردشگری
- ۱۰) انجام تحقیق

عصر گردشگری

شماره نهم پاییز ۹۷



تاریخچه:

جامعه بین المللی در دهه ۱۹۶۰ میلادی، نگرانی هایش را در زمینه ی تعادل بین توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی مطرح کرد و در نتیجه به مسئله ی توسعه پایدار علاقه مند شد.

سازمان ملل در سال ۱۹۸۴ میلادی، کمیسیون جهانی محیط و توسعه را تشکیل داد که این کمیسیون بیانیه ای با عنوان - آینده مشترک ما (our common future) منتشر کرد که تعریف مشخصی برای توسعه پایدار ارائه کرد که بدین صورت می باشد:

”توسعه ای که بتواند نیازهای نسل فعلی برآورده کند، بدون آنکه توانایی نسل های آتی را در تأمین نیازهایشان به مخاطره اندازد.“

جلسات مربوط به توسعه پایدار در سطح جهانی ادامه داشت تا در نشست سال ۱۹۹۲ در شهر ریودوژانیروی برزیل دستور کار ۲۱ به عنوان دستور العمل بین المللی برای توسعه پایدار تصویب شد و به امضای رهبران ۱۸۲ کشور رسید.

به دنبال این روند اولین کنفرانس جهانی گردشگری پایدار در سال ۱۹۹۵ در مادرید برگزار شد.

سازمان جهانی جهانگردی در سال ۲۰۰۴ میلادی اصول بنیادی را برای گردشگری پایدار معرفی کرد که جنبه های اقتصادی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی گردشگری را در بر میگیرد.

این اصول به شرح زیر میباشند:

از منابع طبیعی به طور بهینه استفاده کند.

به اصالت اجتماعی و فرهنگ اجتماعات میزبان احترام بگذارد.

فعالیت های اقتصادی بلند مدت و سود آور را تضمین کند و منافع اجتماعی و اقتصادی تمامی افراد صاحب منفعت را مد نظر قرار دهد.

گردشگری کشاورزی الگویی پایدار

گردشگری کشاورزی الگویی پایدار از گردشگری است با قابلیت اجرای ایده های نو و کار آفرینی که در بخش های گسترده از آمریکا، آسیا و اقیانوسیه و به طور وسیعی در اروپا مورد استقبال قرار گرفته.

گردشگری کشاورزی:

اگرچه امروزه تعریف مشخصی برای گردشگری کشاورزی وجود

ندارد اما بسیاری از محققان

حوزه گردشگری معتقدند که به طور کلی

گردشگری کشاورزی به ابعادی از گردشگری و کشاورزی

اشاره دارد که در آن فاکتورهایی مانند کشاورز به عنوان میزبان

گردشگر به عنوان میهمان و ایجاد کسب وکار در مزارع و یا

بازدید از آن برای اهداف آموزشی و تفریحی و سرگرمی تعریف

شده و در کل گردشگری کشاورزی عملی است برای جذب

گردشگران به یک منطقه، در اصل برای اهداف کشاورزی که

خود زیر مجموعه ای از صنعت بزرگتری به نام گردشگری

روستایی است. گردشگری کشاورزی مفهوم ترکیبی است از

ادغام عناصر دو صنایع پیچیده کشاورزی و سفر .

در سال های اخیر حساسیت های زیست محیطی در ناحیه

خزر همواره با تاثیرات منفی گردشگران بر محیط زیست

همچنین چالش ها و موانع بازدارنده بخش کشاورزی نیاز مبرم

بر ایجاد یک سیستم توسعه پایدار در صنعت گردشگری و

کشاورزی را بیش از پیش آشکار میکند.

اراضی ناحیه خزر پتانسیل بالایی در جذب توریست و توسعه

فرهنگ گردشگری دارند. اراضی ناحیه خزر بسیار حاصلخیز و

دارای پوشش گیاهی بسیار متعدد، خاص و متنوع شامل انواع

نی، عروس آبی، نیلوفر آبی، بلوط، انجیر، نارون، راش است.

با توجه به تنوع اقلیم و آب و هوا در ایران، روستاهای بیشتری

زمینه جذب گردشگر را دارند اما تنها تعداد معدودی از روستا

ها مانند ماسوله، ابیانه، کندوان و... در طول سال های اخیر

مقصد گردشگران بوده است.

لازم به ذکر است که جذب گردشگر میتواند تأثیر زیادی بر

رشد روستا داشته باشد مانند روستای شاندیدز مشهد که هم

اکنون به شهر تبدیل شده است و سالانه پذیرای میلیونها

گردشگر است.

منابع:

Iran newspaper:

مقاله کارآفرینی گردشگری

مقاله راهبردی نوین برای توسعه پایدار روستایی

www.eligasht.com

www.donyayesafar.com

www.khabarfarsi.com

اهداف جهانی گردشگری پایدار



مترجمان: مائده امیری، محمد شیخلو

* از بین بردن فقر:

صنعت گردشگری به عنوان بزرگترین و سریع ترین فاکتور رشد اقتصادی، این قابلیت را دارد که منجر به بوجود آمدن شغل های بسیاری برای مردم بشود و تولید درآمد ملی را افزایش دهد.

* از بین بردن گرسنگی:

نیاز اساسی انسان به غذا و مواد مغذی مورد نیاز بدن هدف دوم توسعه پایدار است. یادمان باشد که صرفا با افزایش تولید غذا نمی توان مشکلات مربوط به گرسنگی را حل کرد. بازار های کارآمد، افزایش درآمد کشاورزان و به طور کل بوجود آوردن بخش کشاورزی فعال و پر جنب و جوش میتواند امنیت غذایی ای جامعه را فراهم کند. افراد محلی در گردشگری میتوانند محصولات ارگانیک خود را در اماکن گردشگری و هتل ها به فروش بگذارند و از این طریق است که گردشگری میتواند به افراد محلی و بومی کمک کند.

* سلامت جسم و روان:

هدف سوم در توسعه پایدار، سلامت انسان ها میباشد، درآمد حاصل از گردشگری میتواند توسط مسئولان مربوطه در امور مربوط به بهداشت و سلامت مردم و ایجاد مراکز خدمات رسانی بهداشتی مصرف شود.

* آموزش:

توریسم این پتانسیل را دارد تا به حقوق تحصیلی و کاری تمام افراد جامعه بویژه زنان مشروطیت بخشد. توریسم میتواند برای زنان فرصت های شغلی مستقیم و غیر مستقیم ایجاد کند.

* برابری جنسیتی:

توریسم با اشتغال زایی برای زنان باعث توانمند سازی آن ها میشود. در نتیجه توریسم برای زنان ابزاری محسوب میشود جهت مشارکت در امور جامعه و همچنین رهبری جامعه.

* دسترسی به آب سالم:

سرمایه گذاری هایی که در گردشگری برای تامین آب و برق مورد نیاز میشود میتواند منجر به دستیابی به آب تمیز و بهداشتی در مناطق محلی شود. در این صورت است که کنترل الودگی آب مصرفی در توریسم میتواند کلیدی برای حفظ منابع ارزشمند آبی باشد.

* دسترسی به انرژی مقرون به صرفه:

توریسم میتواند با در پیش گرفتن الگوی مصرفی انرژی های تجدید پذیر در جهت حفظ منابع تجدید پذیر عمل کند و موجب کاهش تولید گازهای گلخانه ای و تغییرات اقلیمی بشود.

عصر
گردشگری

شماره دوازدهم پاییز ۹۷



* توسعه اقتصادی:

کمک کند و مانند یک وسیله ی نقلیه به پیشرفت اقتصاد آبی و کمک به استفاده ی پایدار از منابع دریایی عمل کند.

* زندگی روی زمین:

تنوع زیستی غنی و میراث طبیعی بطور معمول دلایل بسیاری از گردشگران برای بازدید از یک مقصد هستند. اگر پایداری در مناطق حساس به وجود آید گردشگری میتواند نقش مهمی نه تنها نگه داری و حفظ تنوع زیستی بلکه در تولید درآمد به عنوان یک منبع معیشتی دیگر برای جامعه ی محلی باشد.

* عدالت، صلح و موسسه های پر قدرت:

چون گردشگری در میان میلیارد ها انسان از جوامع مختلف در حال چرخش است میتواند چند فرهنگی و احترام به مذاهب مختلف و درک افراد را تقویت کند. گردشگری که جوامع محلی را تشویق و ترغیب میکند و برای آن ها بسیار مفید است میتواند حتی صلح را در جوامع جنگ زده نیز تحکیم کند.

* همکاری برای اهداف:

به علت ماهیت متقابل گردشگری، این بخش توانایی تقویت همکاری های خصوصی و دولتی و همچنین تشویق چند سهامداری همانند بین المللی، ملی، منطقه ای و محلی برای کار کردن با هم دیگر برای رسیدن به توسعه ی پایدار و همچنین اهداف مشترک و متداول را دارد. سیاست عمومی و نوآوری در تهیه ی پول در مرکزیت دستیابی به موضوع مورد بحث ۲۰۳۰ قرار دارد.

از گردشگری می توان به عنوان تجارت خدمات یادکرد. فرصت های شغلی مناسبی که در گردشگری ایجاد می شوند، بویژه برای زنان و جوانان می تواند تاثیرات مثبتی بر شرایط اجتماعی و اقتصادی بگذارند.

* صنعت، خلاقیت و زیرساخت:

توسعه ی گردشگری ارتباط نزدیکی با زیرساخت های دولتی و خصوصی دارد. بخش گردشگری میتواند بر نوسازی و تکمیل زیرساخت های یک منطقه تاثیر سیاسی دولتی بگذارد. زیر ساخت ها را پایدار تر کند و نوآوری و منابع کار آمد به وجود آورد و به سمت کاهش تولید کربن، و اقداماتی که باعث جذب گردشگر و منابع سرمایه گذاری حرکت کند..

* کاهش نابرابری ها:

اگر گردشگری باعث ترغیب جوامع محلی و ذینفعان اصلی در توسعه ی خود شود میتواند ابزاری قدرتمند برای کاهش نابرابری ها شود. گردشگری میتواند به وسیله ی فرصت دادن به مردم برای موفق شدن و رونق کار خود در مکان زندگی خودشان باعث کمک به نوسازی شهر و توسعه ی روستا شود.

* شهرها و جوامع پایدار:

گردشگری میتواند قابلیت دسترسی و زیرساخت های شهری را بهتر، ترویج بازسازی و حفظ میراث طبیعی و فرهنگی و دارایی هایی که مربوط به گردشگری میشوند را افزایش دهد. سرمایه گذاری در زیرساخت های سبز (حمل و نقل موثر تر، کاهش آلودگی هوا) باید به شهر های هوشمند ترو پاک تری نه تنها برای ساکنان بلکه برای گردشگران نیز منجر شود.

* تولید و مصرف با مسئولیت:

بخش گردشگری نیازمند تطبیق حالت مصرف و تولید پایدار و تسریع تغییرات به سمت پایداری است. ابزار هایی برای آگاهی تاثیرات توسعه پایدار بر انرژی، آب، ضایعات، تنوع زیستی و ایجاد شغل که می تواند حاصل پیشرفت اقتصاد، اجتماع و درآمد های محیطی باشد.

* حرکات جوی:

گردشگری با تغییرات جوی تحت تاثیر قرار میگیرد. ذینفعان گردشگری باید نقش رهبری در پاسخگویی به تغییرات جوی به دست بگیرند. از طریق (کاهش رد پای کربنی در بخش حمل و نقل و اقامت)، گردشگری میتواند از طریق پیشرفت در کاهش تولید کربن و کمک کردن به برطرف کردن این موضوع که یکی از چالش های زمان ما است مفید باشد.

* زندگی زیر آب:

گردشگری ساحلی و دریایی به اکوسیستم سالم دریایی وابسته است. توسعه ی گردشگری باید بخشی از مدیریت مجمع منطقه ی ساحلی باشد تا به حفظ اکوسیستم شکننده ی دریایی

نظریه‌های توسعه پایدار گردشگری

دکتر فاطمه شکاری

دکترای مدیریت گردشگری و هتلداری دانشگاه شیراز

پیامدهای سه‌گانه (TBL)

bottom line چارچوبی است که در امور مالی و حسابداری برای ارزیابی پایداری به کار می‌رود. جان ال‌کینگتون واژه‌ی پیامدهای سه‌گانه را در سال ۱۹۹۴ به کار برد (Wise, 2016). چارچوب پیامدهای سه‌گانه به حوزه‌های غیربازاری و غیرمالی عملکرد و مسئولیت شرکت می‌پردازد و به طور خاص به اثرات اقتصادی، زیست‌محیطی و اقتصادی توجه می‌کند. به عبارت دیگر، پیامدهای سه‌گانه چارچوبی است برای سنجش و گزارش عملکرد شرکت در قالب پارامترهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی. ویژگی اصلی این رویکرد پاسخ‌گویی به سهامداران و سایر ذی‌نفعان، شفافیت در گزارش‌دهی در مورد فعالیت‌ها، ادغام اصول مسلم پیامدهای سه‌گانه در برنامه‌ریزی راهبردی و عملیات شرکت و مشارکت دادن ذی‌نفعان است. برخی شرکت‌ها، معادل‌هایی چون «شهروندی سازمانی»، «توسعه پایدار» یا «مسئولیت اجتماعی شرکت» را به جای پیامدهای سه‌گانه به کار برده‌اند. رویکرد پیامدهای سه‌گانه در پایداری ریشه دارد و بنابراین، با برآورده کردن نیازهای کنونی بدون به خطر انداختن نیازهای آیندگان در ارتباط است (Fairley et al., 2011). پیامدهای سه‌گانه ستون‌های اصلی پایداری هستند. در حالی که این رویکرد در ارتباط با محیط کسب و کاری شرکت‌ها بیان شده‌است، در خط‌مشی‌های گردشگری کلان‌تر نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در گردشگری این پیامدها از فعالیت‌های کسب و کاری بخش خصوصی و دولتی فراتر می‌رود و بر فعالیت‌های توسعه پایدار متمرکز است (Wise, 2016).

بعد ژئوپولتیکی گردشگری پایدار

گردشگری پایدار اغلب بر پیامدهای سه‌گانه‌ی (TBL) زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی متمرکز است. این پیامدها، حفاظت از سیستم‌های اکولوژیکی حساس و تنوع زیستی بومی، رهایی از فقر و توزیع عادلانه ثروت، اعتماد به نفس فرهنگی، حس عمیق رفاه اجتماعی، امنیت و تساوی فرصت‌ها و دسترسی برای تمام بخش‌های جامعه را در بر می‌گیرد. نیل به این نتایج، سبب می‌شود که اهداف گسترده‌تر تساوی درون نسلی و بین نسلی برآورده شوند. با این حال، رویکرد جامع‌تر به پایداری مستلزم این است که بستر ژئوپولتیکی که نیل به این نتایج را تسهیل می‌کند و متعاقب

آن پدیده گردشگری که از این بستر پشتیبانی می‌کند مورد توجه قرار گیرند.

همان‌طور که پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بیان می‌کنند که چه شکلی از اقتصاد، جامعه و محیط زیست مطلوب است، پایداری ژئوپولتیکی نیز بیان می‌کند که کدام ساختارها و روابط ژئوپولتیکی ارجحیت دارند. با این حال، این روابط و ساختارها به خودی خود مطلوب نیستند، بلکه مطلوبیت آن‌ها به دلیل ظرفیت خلق اقتصاد، جامعه و محیط‌زیست پایدار است. بنابراین، چارچوب ژئوپولتیکی که بیش‌ترین تناسب را با اهداف سه‌گانه پایداری (TBL) دارد، در عین این که کم و بیش هم پیوندی سیستم فعلی دولت‌های مستقل را تصدیق می‌کند، جدایی طلبی‌ها (برای مثال، چکوسلوواکی، اتحاد شوروی) و ادغام‌های (آلمان غربی و شرقی) داوطلبانه و بعلاوه، بلوک‌های فراملی مانند سازمان ملل، اتحادیه اروپا و نفتا را که تلاش می‌کنند به صورت جمعی با مسائل منطقه‌ای و جهانی شدن مانند مهاجرت، تجارت و تغییرات اقلیمی مواجه شوند را می‌پذیرد. با این حال، آن چه کماکان در این چارچوب مشکل‌زا است و بنابراین از لحاظ کاربرد آن برای پایداری آشکار نیست، بحث‌های بسیار زیاد ژئوپولتیکی داخلی و بین‌المللی است که تعارضات قومی و سایر عوامل آن‌ها را تحریک می‌کند.

رابطه گردشگری و ژئوپولتیک در ادبیات به طور متقابل مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌است. گفتمان‌های ژئوپولتیکی معاصر به ندرت به گردشگری اشاره می‌کنند، و ادبیات گردشگری نیز به ندرت در بستر آشکار ژئوپولتیکی شکل گرفته‌است. این موضوع بر خلاف این واقعیت است که گردشگری بین‌المللی به طور ذاتی یک پدیده ژئوپولتیکی است که جابجایی انبوه افراد در مرزهای بین‌المللی را در بر می‌گیرد و تنها از طریق به کارگیری قدرت کشورهای مبدأ و مقصد میسر می‌شود.

بعد ژئوپولتیکی در مقیاس فراملی را می‌توان در چارچوب جهانی، منطقه‌ای یا در قالب روابط دوجانبه بین کشورها بررسی کرد. موضوع اصلی در این زمینه، نقش بالقوه گردشگری بعنوان تسهیل‌کننده‌ی صلح جهانی و منطقه‌ای است. صلح جهانی که توسط فعالیت‌های گردشگری جایگزین مانند گردشگری داوطلبانه، اکوتوریسم و home-stay tourism ایجاد می‌شود، در واقع خود یک هدف پایداری است. با این حال، صلح جهانی یک

بستر مناسب برای پیگیری اهداف سه گانه پایداری (TBL) تلقی می‌شود. شاخص مرتبط در این زمینه عضویت کشورها در UNWTO است، که یک مجمع جهانی برای پرداختن به مسائل مشترک گردشگری و نیل به اهداف توسعه هزاره از طریق گردشگری پایدار و مسئولانه است.

گردشگری این پتانسیل را دارد که شکاف بین کشورها و مناطق توسعه یافته و کم‌تر توسعه یافته به لحاظ اقتصادی را از بین ببرد یا بیش‌تر کند. از لحاظ جغرافیایی توسعه اقتصادی نابرابر تعارض ژئوپولیتیکی را حادتر می‌کند. توسعه نابرابر اقتصادی ناشی از سیاست‌های استعماری و نئواستعماری است که بین مناطق «هسته‌ای» و نواحی «حاشیه‌ای» وابسته به آن‌ها تمایز ایجاد می‌کند و می‌توان این شکاف را نهادینه کند. اشکالی از گردشگری که در استمرار این وضعیت نقش دارند را می‌توان نه تنها از لحاظ اقتصادی بلکه از لحاظ ژئوپولیتیکی ناپایدار دانست. نقطه‌ی مقابل گونه‌هایی از فعالیت‌های گردشگری است که بر ژئوپولیتیک عدم تعادل هسته-حاشیه و نیل به تساوی درون نسلی متمرکز است، مانند «گردشگری جامعه محور» و «گردشگری حامی فقرا» و «fair trade tourism». شاخص‌های مرتبط با سطح فراملی (جهانی) عبارتند از:

- پرداخت کمک‌های دوجانبه و چندجانبه مرتبط با گردشگری از طریق دولت و سمن‌های کشورهای توسعه یافته به کشورهای کم‌تر توسعه یافته و میزانی که این کمک‌ها مشروط است؛
- درصد واحدهای گردشگری یا سایر سرمایه‌های ثابت در کشورهای کم‌تر توسعه یافته که توسط کشورهای توسعه یافته و به ویژه کشورهای استعمارگر سابق کنترل می‌شود؛
- درصد درآمدهای گردشگری در کشورهای کم‌تر توسعه یافته که به واسطه‌ی واردات و بعلاوه، سود و دستمزدهای مدیران خارجی به کشورهای توسعه یافته نشت می‌کند.

روابط منطقه‌ای، دو جانبه و سایر روابط چندجانبه محدودتر نیز ابعاد ژئوپولیتیکی گردشگری پایدار تلقی می‌شوند. اتحادیه اروپا معروف‌ترین موجودیت منطقه‌ای برای همکاری و پیوند چند کشور است. این تلاش‌های منطقه‌ای اغلب بهترین ابزار برای کشورهای فقیرتر و ضعیف‌تر است تا بتوانند به اهداف ملی خود دست یابند در عین حال که احتمال بروز تعارض با کشورهای همسایه را کاهش می‌دهند. نمونه‌ای از روابط دو جانبه همکاری بین اسرائیل و اردن در رود اردن است، که پتانسیل گردشگری برای ایجاد روابط دوستانه‌تر بین دشمن‌های تاریخی را نشان می‌دهد.

با این حال، ممکن است در جایی که خصومت‌های تاریخی وجود دارد، روابط گردشگری دوجانبه در حال بهبود به واسطه

حوادثی که در آن گردشگران جامعه میزبان را هدف قرار می‌دهند یا جامعه میزبان به گردشگران آسیب وارد می‌کنند، صدمه ببینند. ورود گردشگران جنسی، اوباش‌های فوتبالی و سایر عناصر ضد اجتماعی نیز یک توسعه نامناسب به لحاظ ژئوپولیتیکی است که می‌تواند روابط دوجانبه کشورها را از طریق ایجاد نگرش‌های منفی و کلیشه‌ها نسبت به مردم دیگر کشورها تخریب کند. بعلاوه، مرزهای نسبتاً باز که ناشی از رشد اعتماد بین کشورهاست نیز می‌تواند تهدیدکننده باشد، زیرا این اعتماد موجب می‌شود که کشورها در ممانعت از ورود مواد مخدر، اسلحه، تهدیدهای بیولوژیکی و غیره کم‌تر اثربخش عمل کنند. در ادامه شاخص‌هایی که نشان‌گر وجود بستر ژئوپولیتیکی مثبت در روابط دوجانبه و چندجانبه هستند بیان می‌شود:

- وضعیت روابط مرزی بر اساس طیف تیموتی (۱۹۹۹)، با توجه به جابجایی‌های مرتبط با گردشگری؛
- تعداد پارک‌های فرامرزی و درصد کشورهای مرزی که در این پارک‌ها سهیمند؛
- تعداد سایر توافقنامه‌ها و اقدامات دوجانبه مرتبط با گردشگری؛
- درصدی از ساکنین که در یک سال مشخص/یا به طور کلی از سایر کشورهای همسایه و غیرهمسایه دیدار کرده‌اند؛
- همبستگی بین این درصدها و ادراک ساکنین از این که کشور آن‌ها با سایر کشورها هم پیمان است؛
- سرانه وقوع جرم توسط جامعه میزبان علیه گردشگران بین المللی؛
- نسبت جامعه میزبان به گردشگران بین‌المللی که به صورت روزانه اندازه‌گیری می‌شود؛
- تعداد وقوع جرم توسط گردشگران بین‌المللی علیه جامعه میزبان.

در ملاحظات سطح ملی نقش گردشگری داخلی بعنوان یک نیروی ایجادکننده وحدت بین مردم یک کشور در نظر گرفته می‌شود. آن‌چه در این میان ارزش پژوهش دارد میزانی است که گردشگری درون حوزه‌ای موجب شکوفا شدن دیدگاه‌های مثبت تر نسبت به سایر بخش‌های کشور می‌شود. شاخص‌های مرتبط با این سطح عبارتند از:

- تعداد آیکن‌های ملی موجود بعنوان جاذبه‌های گردشگری درون حوزه‌ای و ترفیع آن‌ها؛
- درصد جمعیت کشور که در یک سال مشخص به سفرهای درون حوزه‌ای رفته‌اند؛
- میانگین تعداد استان‌ها یا ایالت‌هایی که گردشگران درون حوزه‌ای در یک سال مشخص از آن‌ها بازدید کرده‌اند؛
- نگرش ساکنین یک استان/ایالت نسبت به سایر استان‌ها/ایالت‌ها؛

- درصد گردشگران درون حوزه‌ای که از آیکون‌های ملی دیدار کرده‌اند؛
- وجود خط‌مشی‌ها و راهبردهایی برای ترغیب گردشگری درون حوزه‌ای.

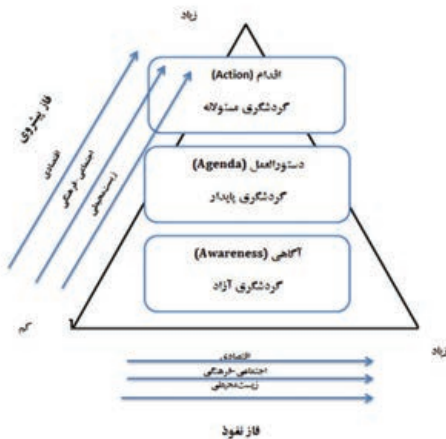
در سطح sub-state گردشگری ابزاری برای خودشکوفایی فرهنگی و اقتصادی گروه‌های اقلیت تلقی می‌شود (Weaver, 2010)

Responsustainable Tourism

نگرانی در مورد محیط‌های طبیعی و اجتماعی و رابطه گردشگر-محیط زیست که از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ شدت یافت، در نهایت موجب توجه به «مسئولیت بیش‌تر» و شکل‌گیری اشکال و مفاهیم جایگزین گردشگری در تقابل با جریان گردشگری انبوه گردید. بحث در مورد پایداری گردشگری از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ آغاز شد. ادوارد اینسکیپ پنج معیار اصلی برای گردشگری پایدار مشخص نمود که مسئولیت‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی گردشگری و مسئولیت‌های این صنعت در مقابل گردشگران (رضایت دیدارکننده) و عدالت و تساوی جهانی را در بر می‌گرفت.

از دید برخی صاحب‌نظران، مفهوم پایداری یک عصای سحر آمیز به شمار می‌آید که به سمت مدل‌ها و اشکال توسعه سازگارتر با محیط‌زیست و جامعه نشانه رفته‌است. از سوی دیگر، این مفهوم مورد انتقادات بسیاری قرار گرفته‌است. به بیان دیگر، بحث پایداری در زمینه‌ی معطوف کردن نظرها به سوی نیاز به ایجاد تعادل بین منافع اقتصادی و زیست‌محیطی گردشگری مفید بوده و نفوذ آن در خط‌مشی‌ها و راهبردها موجب اقدامات و پیشرفت‌های خوبی در صرفه‌جویی در انرژی، بازیافت، کاهش زباله و کاهش انتشار کربن و تلاش برای بهبود معیشت جوامع محلی شده‌است. با این حال، شواهد بسیاری نیز از اثرات منفی آن وجود دارد. به بیان ویلر، مفهوم پایداری کاربرد عملی اندکی دارد زیرا به ابزار روابط عمومی برای پرداختن به انتقادات وارد شده به اثرات گردشگری تبدیل شده‌است، در حالی که رفتار کردن به شیوه‌های قبلی (مخرب) را امکان‌پذیر می‌سازد. در واقع، در مورد سودمندی توسعه پایدار گردشگری اتفاق نظر وجود ندارد و اجرای آن در عمل هم‌چنان دشوار است و این موجب شده که بخش اعظم صنعت گردشگری کماکان ناپایدار باشد. بعلاوه، ذی‌نفعان گردشگری راهکارهای پایداری را با سرعت کمی دنبال می‌کنند. هم‌چنین، برخی مقصدها در فعالیت‌های ترفیعی خود را بعنوان مقصدی پایدار معرفی می‌کنند و به این ترتیب انتظارات گردشگران جدید را افزایش می‌دهند. اما گردشگران در واقعیت با شکاف بین پایداری وعده داده شده و آنچه در واقع انجام می‌شود، روبرو می‌شوند.

به این ترتیب، سودمندی اندک و انتقادات وارد شده به مفهوم پایداری، به همراه توجه فزاینده به مفهوم گردشگری مسئولانه نیاز به تفکر انتقادی را پدید آورده‌است. بر این اساس، میهالیک با بررسی دیدگاه‌های نظری اقتصاد سیاسی و اقتصاد رفتاری مدل یکپارچه پایداری-مسئولیت‌پذیری را ارائه داده‌است. این مدل سه گام را در بر می‌گیرد: آگاهی (Awareness)، دستورالعمل (Agenda) و اقدام (Action). این مدل بحث شاخص‌های پایداری را تکمیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه مفهوم پایداری را به طور مستمر می‌توان به کار گرفت و از گردشگری ارزش بازار محور و بدون مداخله از منظر زیست‌محیطی به سمت گردشگری مسئولانه محیط‌محور و ارزش اجتماعی محور حرکت کرد (شکل ۱).



شکل ۱- مدل 3A برای Responsustainable Tourism (Mihalic, 2016)

میهالیک با بررسی ادبیات استدلال می‌کند که گردشگری مسئولانه مترادف گردشگری پایدار نیست. گردشگری مسئولانه به گفتمان گردشگری پایدار در عمل می‌پردازد و بیش‌تر اصطلاحی برای توصیف نوعی از گردشگری است که پایدار است، زیرا پایدار عمل می‌کند. گردشگری مسئولانه، چیز جدیدی نیست و جایگزینی تازه برای سایر اشکال گردشگری یا شیوه‌ی جدیدی برای انجام گردشگری پایدار نیست. بنابراین، گردشگری مسئولانه راهبردها و خط‌مشی‌های پایداری را بسط می‌دهد و رفتارهای پایدار را به آن اضافه می‌کند. این ارتباط پایداری-مسئولیت‌پذیری در شکل ۲ نشان داده شده‌است. بر اساس شکل، ستون‌های توسعه پایدار بر روی الزامات گردشگری پایدار بنا شده‌اند. سقف این بنا Responsustainable tourism نام دارد که پایداری و مسئولیت‌پذیری در رفتار گردشگری را نشان می‌دهد (Mihalic, 2016).

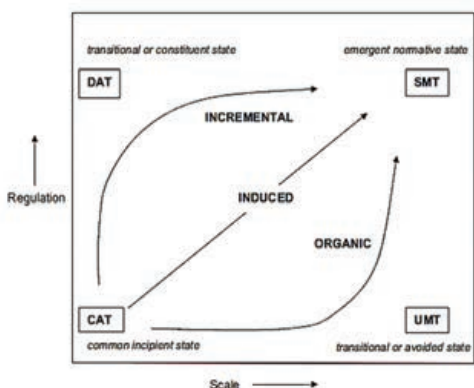
گردشگری انبوه پایدار (SMT)

به بیان ویور گردشگری انبوه پایدار پیامدی مطلوب و

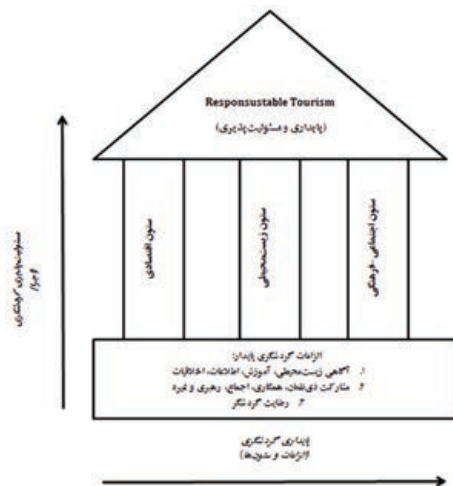
متمایز ارگانیک، نمودی و القاییه سمت گردشگری انبوه پایدار حرکت می‌کنند (شکل ۳).

توالی اولیه SMT به سمت UMT خط سیر رشد بازار محور خودبخودی را دنبال می‌کند که با مراحل مشارکت، توسعه، تثبیت و افول مدل باتلر تطابق دارد (مسیر ارگانیک). مسیر نمودی از این لحاظ در تضاد با مسیر ارگانیک قرار دارد که پس از CAT با کنترل هدفمند از طریق DAT به دنبال حفظ دارایی‌های طبیعی و فرهنگی است که حس منحصر به فرد مکان در مقصد، کیفیت زندگی و مزیت رقابتی ادراک شده را ایجاد می‌کنند. در مسیر القایی، اتخاذ راهبردهای رشد قطبی دولت محور موجب ایجاد «تفریحگاه‌های فوری» و انحراف از چرخه حیات مقصد می‌شود.

به بیان دیگر، مسیر ارگانیک بازار محور، مدل چرخه‌ی حیات مقصد گردشگری باتلر را نشان می‌دهد. در حالی که مسیر نمودی کنترل محور، بیان‌گر گردشگری جایگزین آگاهانه (DAT) است که در آن ظرفیت‌های تحمل به طور تدریجی افزایش می‌یابند تا بتوانند سطوح بازدید بالاتری را پوشش دهند. مسیر ترکیبی القایی کلان تفریحگاه‌های برنامه‌ریزی شده‌ای را توصیف می‌کند که بعنوان قطب‌های رشد طراحی شده‌اند. به گفته ویور، حرکت به سمت گردشگری انبوه پایدار فرآیندی تکاملی و نه انقلابی است (Weaver, 2012).



شکل ۳- مسیرهای ارگانیک، نمودی و القایی به سمت گردشگری انبوه پایدار (Weaver, 2012)



شکل ۲- درک پیشنهادی از Responsible Tourism بر اساس الزامات و ستون‌ها (Mihalic, 2016)

قریب‌الوقوع برای اکثر مقصدهای گردشگری است. به بیان او، در دو دهه گذشته هنجار حامی رشد با هنجار پایداری ترکیب شده‌است و در نتیجه ظهور گردشگری انبوه پایدار را بعنوان پیامدی مطلوب برای مقصد مطرح نموده‌است. به بیان دیگر، کمیابی منابع طبیعی، توسعه فناوری سبز، آگاهی در مورد تغییرات اقلیمی، بحران‌های مالی جهانی، محیط‌زیست‌گرایی نهادینه شده و فناوری اینترنت همگی ظهور پایداری بعنوان یک هنجار اجتماعی را تسهیل می‌کنند که با هنجار دیرینه‌تر مطلوب بودن رشد ترکیب می‌شود (توسعه پایدار). در نتیجه، مقصدها از سه مسیر متمایز به سمت گردشگری انبوه پایدار حرکت می‌کنند.

ویور این مسیرها را بر اساس مدل سناریوهای توسعه مقصد مشخص کرده‌است. او در این مدل چهار گونه ایده‌آل گردشگری را بر اساس مقیاس و اعمال کنترل منتج از پایداری از یکدیگر متمایز کرده‌است: گردشگری جایگزین اقتضایی (CAT) یا گردشگری جایگزین کنترل نشده که صرفاً بیان‌گر مرحله اولیه چرخه حیات مقصد است و در مرحله‌ی ابتدایی همه مقصدها روی می‌دهد. گردشگری انبوه ناپایدار (UMT) با حرکت از CAT به سمت اشکال انبوه‌تر گردشگری شکل می‌گیرد و منحنی S شکل چرخه‌ی حیات مقصد باتلر را نشان می‌دهد. مقصدها می‌توانند از طریق اعمال کنترل‌هایی راستای گردشگری جایگزین کوچک مقیاس، به سمت گردشگری جایگزین آگاهانه (DAT) حرکت کنند یا به واسطه‌ی اعمال کنترل‌هایی که با اشکال بزرگ مقیاس گردشگری در ارتباط است، به سوی گردشگری انبوه پایدار (SMT) پیش روند. سه خط سیر گفته شده مسیرهای تکاملی گردشگری از CAT به SMT را نشان می‌دهند. در نتیجه، مقصدها از سه خط سیر

نظریه تاب‌آوری

از زمانی که کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه (WCED) گزارش خود تحت عنوان آینده مشترک ما را در سال ۱۹۸۷ به سازمان ملل متحد ارائه کرد، پایداری چارچوبی مفهومی محبوبی برای توسعه جامعه بوده‌است. امروزه توسعه پایدار یا پایداری هم‌چنان بعنوان یک پارادایم توسعه مسلط در اکثر خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها مورد توجه دولت‌ها، جوامع و کسب و کارهاست. این محبوبیت، حداقل تا حدی ناشی از ماهیت

نیستند؛ و این دو را رویکردهای مشابهی می‌دانند یا تاب‌آوری را شاخص کلیدی پایداری در نظر می‌گیرند، یا معتقدند که پایداری یک هدف اجتماعی گسترده است و تاب‌آوری چگونگی نیل به این هدف می‌باشد (Lew et al., 2016).

مفهوم تاب‌آوری اولین بار در رابطه با اکوسیستم‌ها بعنوان معیاری برای مقاومت سیستم‌ها و توانایی آن‌ها برای جذب تغییر و آشفتگی، در عین حفظ روابط یکسان بین جوامع یا متغیرهای سیستم به کار رفت. تفسیرهای جدید از تاب‌آوری مفاهیمی مانند سازماندهی مجدد، هویت و بازخورد و ظرفیت سازگاری و یادگیری را نیز به آن افزوده است (Becken, 2013, p. 508). تاب‌آوری یعنی «توانایی یک سیستم برای جذب اختلال‌ها و یادگیری و سازگاری در زمان بروز آشفتگی با هدف رشد و پویایی» (Holladay, 2011, p. 15). لو و همکاران، تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو پارادایم را به صورت زیر خلاصه کرده‌اند:

ایده‌آل‌گرایانه اهداف پایداری در راستای ایجاد جهانی بهتر از آن چیزی که ما می‌شناسیم، است. با این حال، با تهدیدهای رو به رشد ناشی از تغییرات مرتبط با تحولات انسان، به ویژه تغییرات مرتبط آب و هوا و اقلیم، در مورد این موضوع که آیا پایداری به تنهایی قادر است پاسخی اثربخش باشد، تردیدهای بوجود آمده‌است. به این ترتیب، از اواسط دهه‌ی ۲۰۰۰، توجه به تاب‌آوری اجتماعی و تاب‌آوری جامعه بعنوان مدل توسعه‌ی جایگزین رشد فزاینده‌ی داشته‌است. به طور کلی، تأکید تاب‌آوری بر سازگاری با تغییر است و تأکید پایداری بر حفاظت و کاهش اثرات. به بیان دریس و همکاران در حالی که پایداری از طریق حفظ منابع در سطحی بالاتر از سطوح هنجاری ایمن، تغییرات را حداقل می‌کند، رویکرد تاب‌آوری از طریق ایجاد ظرفیت‌هایی برای بازگشت به حالت مطلوب، پس از بروز آشفتگی با تغییرات سازگار می‌شود. با این حال، شواهد موجود در ادبیات نشان می‌دهد که بسیاری از محققان با این دیدگاه که پایداری و تاب‌آوری دو رویکرد متفاوت هستند، موافق

جدول ۱- شباهت‌های بین پایداری و تاب‌آوری (Lew et al., 2016)

فرضیه‌ها	ایجاد تناسب بین جامعه انسانی و محیط طبیعی امکان‌پذیر است.
تمرکز پژوهش	سیستم‌های اجتماعی اقتصادی؛ اثرات تغییر اقلیم؛ توسعه جامعه.
روش‌ها	خط‌مشی‌ها و اقدامات تغییر اقلیم، بویژه حکمرانی؛ آموزش و یادگیری بعنوان ابزارهای اجرا.
اهداف	بقا، امنیت و رفاه سیستم (اجتماعی و تنوع زیستی)؛ احساس مکان و تعلق (میراث).

جدول ۲- تفاوت‌های بین پایداری و تاب‌آوری (Lew et al., 2016)

پایداری	تاب‌آوری
فرضیه‌ها	ثبات و تعادل هنجار به شمار می‌آیند (یا حداقل امکان‌پذیر هستند). تغییر غیرخطی و غیرقابل پیش‌بینی و آشوب هنجار به شمار می‌آید.
اهداف	ایده‌آل‌های هنجاری (حفاظت از فرهنگ، محیط‌زیست و اقتصاد؛ تساوی بین نسلی؛ عدالت). سیستم‌های راهبردی، پویا و خودسامانده؛ نهادهای یادگیرنده و فرهنگ‌های نوآور.
تمرکز پژوهش	اثرات زیست محیطی و اجتماعی توسعه و رشد اقتصادی؛ استفاده بیش از حد از منابع؛ ردپای کربن. مدیریت بحران‌های طبیعی و انسانی؛ اثرات تغییر اقلیم؛ سرمایه اجتماعی و شبکه‌ها.
روش‌ها	مدیریت «استفاده هوشمندانه» از منابع؛ حفاظت در مقابل تغییر و به حداقل رساندن تغییر؛ بازیافت و سبزی‌سازی؛ آموزش تغییر رفتار. کاهش آسیب‌پذیری و افزایش ظرفیت فیزیکی و اجتماعی در مقابل تغییر (انعطاف‌پذیری و فراوانی)؛ بازخورد سیستم و عملکرد؛ آموزش نوآوری.
نقد	تعریف ضعیف و بسیار سیاسی. به علل تغییرات اجتماعی و زیست‌محیطی نمی‌پردازد.

همین ترتیب، چوگیل نیز هشت سطح از مشارکت را تعریف کرده است، به طوری که شهروندان وقتی بیشترین میزان کنترل را دارند که توانمند شده باشند. بنابراین، توانمندسازی بالاترین سطح مشارکت جامعه است که در آن ساکنان نه تنها در فرآیند برنامه ریزی، مورد توجه قرار می گیرند بلکه بر آن کنترل نیز دارند. یکی از کارهای اصلی در زمینه توانمندسازی در گردشگری مقاله مفهومی اسکویوز است که در آن به بررسی ابعاد روان شناختی، اجتماعی و سیاسی توانمندسازی در اکوتوریسم جامعه محور پرداخته است (Boley & McGehee, 2014).

نظریه سرمایه اجتماعی

در علوم اجتماعی، سرمایه اجتماعی به معنای ویژگی های سازمان اجتماعی مانند شبکه ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی است که هماهنگی و همکاری برای کسب منافع متقابل را تسهیل می کند. در حوزه توسعه گردشگری، پژوهش های بسیاری در ارتباط با واکنش ساکنین نسبت به توسعه گردشگری صورت گرفته است. علت توجه محققین به این موضوع این است که قابلیت اجتماعی ساکنین برای حمایت اثربخش آنان و تقویت توسعه موفق گردشگری ضرورت دارد. مطالعات نشان داده اند که تمایل و همکاری ساکنین مؤلفه های ضروری برای توسعه گردشگری هستند. تجربه نشان داده است که بدون همکاری، حمایت و مشارکت جامعه محلی کسب و کارها قادر نخواهند بود یک صنعت گردشگری پایدار داشته باشند. نتایج مطالعه کیم و کو نشان داد که توسعه گردشگری روستایی، سرمایه اجتماعی ساکنین را افزایش می دهد. به بیان جونیور سرمایه اجتماعی اهمیت زیادی دارد زیرا اعتماد و تعامل از طریق کاهش هزینه های تراکنش ها، همکاری را تسهیل می کند زیرا افراد دیگر نیازی به نظارت بر رفتار دیگران ندارند، بنابراین اعتمادسازی می کنند و در فعالیتهای جمعی و گروهی سرمایه گذاری می نمایند. با توجه به چارچوبها و رویکردهای مختلفی که برای بررسی سرمایه اجتماعی وجود دارد، در مورد این مفهوم و تعاریف آن اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. اخیراً برخی محققین از دیدگاه نظریه شبکه که سرمایه اجتماعی نگریسته اند؛ این دیدگاه روابط بین کنشگران را مورد توجه قرار می دهد. مفاهیم سرمایه اجتماعی پیوندی و پل زننده در تحلیل شبکه اجتماعی نیز برای بررسی جنبه های گوناگون ساخت و حفظ شبکه ها مورد استفاده قرار گرفته است (Park et al., 2012). آدلر و ون روابط درونی را سرمایه اجتماعی پیوندی و روابط بیرونی را سرمایه اجتماعی پل زننده نامیدند. بازه چنین شبکه های متنوعی اغلب اطلاعات و منبع جدیدی است که تحت عنوان «قدرت پیوندهای ضعیف» شناخته می شود (Kim et al., 2016).

توانمندسازی در بسیاری از رشته ها از جمله در ادبیات آموزش، روان شناسی و برنامه ریزی/توسعه مورد توجه قرار گرفته است. توانمندسازی در هر یک از این حوزه ها بعنوان پادزهری برای مقابله با بی عدالتی اجتماعی به کار رفته است. با وجود پژوهش های بسیاری که پیرامون توانمندسازی صورت گرفته است، ارائه تعریفی از آن دشوار بوده است. به بیان راپاپورت توانمندسازی را در فقدان آن راحت تر می توان تعریف کرد. عدم توانمندی یعنی ضعف واقعی یا خیالی؛ درماندگی آموخته شده؛ بیگانگی؛ فقدان احساس کنترل بر زندگی خود. به بیان او ارائه تعریف مثبت از توانمندسازی دشوارتر است، زیرا این مفهوم برای افراد مختلف و در زمینه های مختلف معنای متفاوتی دارد. با این وجود، یکی از مورد قبول ترین تعریف ها از توانمندسازی را خود او ارائه داده است: توانایی افراد، سازمان ها و جوامع برای تسلط بر امور خود. سادان نیز توانمندسازی را فرآیند گذر از وضعیت ضعف (نا توانی) به وضعیت کسب کنترل نسبی بر زندگی فردی، سرنوشت و محیط تعریف کرده است. موضوع مشترک بین این تعریف ها، کسب «تسلط» و «کنترل» بر محیط خود است.

پژوهش پیرامون توانمندسازی در حوزه گردشگری پیش تر در بستر توسعه پایدار گردشگری صورت گرفته است. توانمندسازی در این بستر به تمرکز بر کیفیت زندگی ساکنان در قالب ایجاد حداکثر منافع در حوزه های سه گانه پایداری مقصد (TBL) (پایداری اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی فرهنگی) به شکلی معنادارتر از تولید و سود می پردازد. به این ترتیب موفقیت توانمندسازی مستلزم مشارکت جامعه است. کنترل ساکنین مبنای فلسفی گردشگری پایدار است. از نظر یو و همکاران، مشارکت جامعه عامل ضروری برای توسعه پایدار گردشگری است. علی رغم اهمیت مشارکت ساکنین در فرآیند توسعه گردشگری، به بیان برخی محققین مشارکت به تنهایی کافی نیست و برای این که گردشگری پایدار باشد، ساکنین باید توانمند شوند. به بیان کول، مشارکت جامعه هدف نهایی نیست و در صورتی که ساکنین توانمند نشوند، توسعه پایدار در نهایت محکوم به شکست خواهد بود. از نظر او، توانمندسازی ساکنین پله پایانی نردبان مشارکت است که در آن اعضای جامعه عوامل فعال تغییر هستند و قادر خواهند بود برای مشکلات خود راه حل هایی بیابند، تصمیم گیری کنند، اقداماتی انجام دهند و راه حل های خود را ارزیابی نمایند. آرنستاین اولین کسی بود که مشارکت را در قالب یک نردبان توصیف کرد که در پایین ترین سطح آن عدم مشارکت، در میانه آن میزانی از مشارکت نمادین (توکنیسم) مانند اطلاع رسانی و مشورت و در بالاترین سطح، کنترل شهروندان (توانمندسازی) قرار دارد. به

نظریه کنش‌گر- شبکه که برخی آن را نظریه پذیرش یا عضوگیری و جامعه‌شناسی انتقال مفاهیم نیز نامیده‌اند، خاستگاهی کاملاً اروپایی دارد و برپایه آثار لاتور و کالون پژوهش‌گران مطالعات علم و فناوری فرانسه و جان لائو مردم شناس بریتانیایی در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی بسط و گسترش یافته‌است. این نظریه ضمن اجتناب از رویکردهای یک‌جانبه‌گرایانه رئالیستی (تأکید صرف بر امور طبیعی و واقعی) و بساخت‌گرایی اجتماعی (روایت فرهنگی از امور و تعریف طبیعت در چارچوب زمینه‌های فرهنگی) در تبیین علم و تولید علم، رویکردی ترکیبی ارائه داده‌است مرکب از رئالیسم علمی، بساخت‌گرایی اجتماعی و تحلیل گفتمان. نظریه کنش‌گر- شبکه جنبشی ضد ذات‌گرا یا ضد بنیان‌گراست. این نظریه به اصل مادیت رابطه‌ای معتقد است، اصلی در نشانه‌شناسی که فرض می‌کند همه هستارها اهمیت خود را از ارتباط با دیگر هستارها کسب می‌کنند (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۶).

محبوبیت رو به افزایش این تئوری از یک ویژگی محوری آن ناشی می‌شود که شامل برخورد متقارن کنش‌گران انسانی و غیرانسانی و عوامل اجتماعی و فناورانه می‌باشد. در این تئوری به این عوامل نامتجانس اهمیت یکسان داده شده و به عنوان اجزای شبکه‌های پویا و سیال مورد ملاحظه قرار می‌گیرند؛ در این نظریه پایه و اساس درک پدیده‌های اجتماعی به پیوندها و ارتباطات بین آن‌ها بستگی دارد. به بیان لاتور، براساس این نظریه هیچ پدیده اجتماعی از پیش تعیین شده‌ای برای مطالعه وجود ندارد؛ هر موقعیتی نتیجه‌ی ارتباطات و پیوندهای مداوم بین کنش‌گران است. لذا هر دو گروه از کنش‌گران انسانی و غیرانسانی با هم شبکه‌ها را شکل داده و در آن مشارکت دارند. به همین دلیل فقط با دنبال کردن کنش‌گران و پیوندهای بین آن‌ها می‌توان مفاهیم اجتماعی و علمی را درک نمود (Arnaboldi & Spiller, 2011).

تئوری کنش‌گر- شبکه اخیراً به عنوان یک رویکرد مطالعاتی جدید در مطالعات گردشگری مطرح شده است. به بیان ون در دویم، نظریه پردازان کنش‌گر- شبکه سه عنصر مرتبط با مطالعه گردشگری را مطرح کرده‌اند: اصل یکسانی، تمرکز بر کنش‌گر- شبکه‌ها و تأکید بر فرآیندهای انتقال مفاهیم. یکسانی یکی از متمایزترین و مورد بحث‌ترین ویژگی‌های نظریه کنش‌گر- شبکه است. تأکید بر یکسانی یعنی بیان این که همه چیز باید به شیوه‌ای یکسان مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین، این اصل تمایزهایی را که گفته می‌شود در ماهیت اشیاء وجود دارد، کنار می‌گذارد و به جای آن این سؤال را مطرح می‌کند که آن‌ها چگونه می‌توانند بعنوان محصول فرآیندهای نظم‌دهی وجود داشته باشند. نظریه کنش‌گر- شبکه، به اشیاء نیز امکان قرار

گرفتن در جایگاه کنش‌گر را اعطا می‌کند. به بیان دیگر، نظریه کنش‌گر- شبکه یک تعریف نشانه‌شناختی از کنش‌گران را به کار می‌گیرد که بر اساس آن کنش‌گران شکل و ویژگی‌های خود را در نتیجه روابط با دیگران بدست می‌آورند؟

در این نظریه، مفاهیم کنش‌گر- شبکه را نمی‌توان بدون یکدیگر تعریف کرد. به بیان دیگر، کنش‌گر- شبکه به کنش‌گر به تنهایی، یا شبکه به تنهایی تقلیل پذیر نیست. کنش‌گر- شبکه هم‌زمان هم فردی است که فعالیتش شبکه‌سازی از عناصر نامتجانس است و هم شبکه‌ای است که قادر است عناصر تشکیل دهنده خود را بازتعریف کند و تغییر دهد. بر اساس این دیدگاه، از منظر روش‌شناختی می‌توان نتیجه گرفت که هیچ فرضیه از پیش تعیین شده‌ای در مورد این که چه کسی یا چه چیزی در یک مجموعه شرایط خاص عمل خواهد کرد، نمی‌توان طرح کرد. کنش نتیجه‌ی ترکیب شبکه‌هاست و شبکه‌ها از اجزاء و قطعات مختلفی ساخته می‌شوند که اجتماعی، اقتصادی، طبیعی، تکنولوژیکی و غیره نام می‌گیرد. به این ترتیب، نظریه‌پردازان کنش‌گر- شبکه ادعا می‌کنند دوگانگی‌هایی چون طبیعت/جامعه، کنش‌گر/ساختار، جهانی/ محلی کنار می‌گذارند. در واقع این دوگانگی‌ها، پیامد هستند نه علت. در نظریه کنش‌گر- شبکه، موجودیت‌ها شکل خود را در نتیجه روابطی که در آن قرار گرفته‌اند، بدست می‌آورند.

نظریه‌پردازان کنش‌گر- شبکه به فرآیندهای انتقال مفاهیم علاقمند هستند؛ یعنی روش‌هایی که توسط آن‌ها کنش‌گران موجودیت‌هایی را که گاهی تفاوت‌های بنیادین دارند کنار هم می‌آورند و آن‌ها را متقاعد می‌سازند که برقراری ارتباط برای آن‌ها منافع را در بر دارد. انتقال مفاهیم، موجودیت‌ها را به کنش‌گر- شبکه‌ها تبدیل می‌کند، ویژگی‌هایی را به آن‌ها نسبت می‌دهد و روابط کم و بیش باثبات بین آن‌ها برقرار می‌سازد. انتقال مفاهیم یعنی مشخص کردن قوانین و توصیف سناریو. انتقال مفاهیم، روابط قدرت را پدید می‌آورد و اعمال قدرت به اقدامات دیگران بستگی دارد (van der Duim, 2007).

ون در دویم بر اساس نظریه کنش‌گر- شبکه، مفهوم «نماهای گردشگری» را مطرح کرد. به بیان او، «نماهای گردشگری به جمله‌ها شباهت دارند. هر عنصری (مانند یک کلمه در جمله) با سایر عناصر در ارتباط است (سایر کلمه‌ها در جمله)، با ترکیبی که افراد، مصنوعات و محیط‌ها را یکپارچه می‌سازد. نتیجه‌ی حذف کردن یک کلمه، بی معنی شدن جمله است. به طور مشابه، اگر سواحل، کوه‌ها، موزه‌ها، هواپیماها و اتومبیل‌ها، هتل‌ها و کمپ‌سایت‌ها را از گردشگری کنار بگذاریم، نتیجه انسان‌هایی ایستا و مجزا خواهد بود نه گردشگران یا کارآفرینان گردشگری. اگر انسان‌ها را از گردشگری حذف کنیم، نتیجه مجموعه‌ای ارزشمند هم‌چون یک موزه خواهد بود که از خلق

نماهای گردشگری عاجز است» (van der Duim, 2005, p. 97). مؤلفه‌های اصلی «نماهای گردشگری» عبارتند از: (۱) افراد؛ یعنی کسانی که از خدمات گردشگری استفاده می‌کنند و کسانی/سازمان‌هایی که این خدمات را ارائه می‌دهند. (۲) مجموعه‌ای از اشیاء، رسانه‌ها، ماشین‌ها و فناوری‌هایی که در قالب شبکه گردهم آمده‌اند، قلمرو فضایی-زمانی «نماهای گردشگری» را بسط می‌دهند. این مجموعه عبارتست از شبکه‌های حمل و نقل هوایی، دریایی، ریلی و جاده‌ای، بعلاوه کانال‌های مایکرو، سیم‌ها و کابل‌ها و شبکه‌هایی که پیام‌های تلفنی و فکس، اطلاعات، تصویر و عکس، پول و اطلاعات رایانه‌ای را منتقل می‌کنند. (۳) فضاها؛ بر اساس نظریه کنش-گر رابطه، فضا از روابط گوناگونی ساخته شده‌است. فضا رابطه‌ای است و در کنش‌ها آشکار می‌شود. در واقع، «نماهای گردشگری» بیان‌گر فرآیندهای پیچیده نظم‌دهی و انتقال مفاهیم هستند که ناشی از همگرایی بین افراد و اشیاء در فعالیتی یکسان است: گردشگری. موجودیت‌ها در نماهای گردشگری (افراد یا اشیاء) شکل خود را در نتیجه روابطی که در آن قرار گرفته‌اند، می‌یابند. کارآفرینان، تورگردان‌ها، راهنما، گارسون‌ها و گردشگران به طور پیوسته تلاش می‌کنند تا اجزاء افراد و اشیاء مورد نیاز برای خلق کنش-گر شبکه‌ای با دوام‌تر را گرد هم بیاورند (van der Duim, 2007).

نظریه مبادله اجتماعی (SET)

اولین بار پرود، لانگ و الن در قالب سه مطالعه نظریه مبادله اجتماعی را برای تشریح چرایی حمایت ساکنین از گردشگری یا مقاومت آنان در برابر این صنعت بیان کردند. این نظریه برای شناخت نگرش ساکنین سودمند به نظر می‌رسد زیرا چارچوبی منطقی است که ادراک جامعه میزبان از اثرات مثبت و منفی گردشگری را نشان می‌دهد.

منشأ نظریه مبادله اجتماعی به جامعه‌شناسی و روان‌شناسی برمی‌گردد. این نظریه، نظریه مبادله اقتصادی تفاوت دارد زیرا دیدگاه نئوکلاسیک از عقلانیت را بسط داده‌است به طوری که تغییرپذیری ذاتی مبادله‌های رابطه‌ای را نیز در بر بگیرد. به این ترتیب، نظریه مبادله اجتماعی به نظریه‌ای غالب برای تشریح دیدگاه ساکنین نسبت به گردشگری تبدیل شده‌است. پرطرفداران بودن نظریه مبادله اجتماعی به این واقعیت برمی‌گردد که این نظریه ماهیت نامتجانس جامعه میزبان را تأیید می‌کند، به طوری که گروه‌های مختلف مردم بسته به ادراک خود از هزینه‌ها و منافع گردشگری، ممکن است نگرش‌های متفاوتی نسبت به آن داشته باشند. بر این اساس ادراک ساکنین از اثرات مثبت و منفی گردشگری بر حمایت آنان از این صنعت اثر می‌گذارد. با این حال، با آن که امرسون تفاوت‌های بین نظریه مبادله

اقتصادی و مبادله اجتماعی را به وضوح بیان کرده‌است، در ادبیات گردشگری در مورد تفاوت‌های دو نظریه سردرگمی وجود دارد. برخی محققین بر این باورند که مؤلفه‌ی مبادله اقتصادی بین گردشگران و ساکنین به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته‌است. انحراف از مفهوم‌سازی اصلی نظریه مبادله اجتماعی دلیل نقدهای وارد شده به آن بوده‌است. به ویژه، مک‌گیهی و آندرک این نظریه را به دلیل وجود دو فرضیه ناصحیح مورد انتقاد قرار داده‌اند: اول، افراد همیشه بر اساس منفعت شخصی که بعنوان اولویت برتر در ذهن خود دارند تصمیم‌گیری می‌کنند. دوم، ساکنین ممکن است فکر کنند که در لحظه محتاطانه‌ترین تصمیم را گرفته‌اند، اما بعداً به این باور برسند که پرمفعت‌ترین گزینه‌ها را انتخاب نکرده‌اند. ووسنام و همکاران، نظریه مبادله اجتماعی را به دلیل دیدگاه صرفاً اقتصادی نسبت به رابطه ساکنین و گردشگران و در نظر نگرفتن سایر عوامل اثرگذار بر این رابطه مورد انتقاد قرار داده‌اند. به بیان لاتکوا و وگت، تنها راه حل ممکن ترکیب این نظریه با نظریه‌ی دیگری است، زیرا ترکیب نظریه‌ها می‌تواند دیدگاه بهتری در مورد نگرش ساکنین به گردشگری ارائه دهد. یکی از نظریه‌هایی که می‌تواند به همراه نظریه مبادله اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد نظریه عقلانیت رسمی و ماهوی وبر است (Boley et al., 2014).

نظریه عقلانیت رسمی و ماهوی وبر (WFSR)

نظریه عقلانیت رسمی و ماهوی توسط جامعه‌شناسی به نام ماکس وبر، برای تشریح انگیزش افراد برای مشارکت در فعالیت‌های مختلف اقتصادی ارائه شد. وبر، به جای آن‌که منفعت اقتصادی را تنها عامل محرک عقلانیت افراد بداند، بیان کرد که عقلانیت فعالیت اقتصادی ممکن است رسمی یا ماهوی باشد. او تفاوت‌های بین فرآیندهای عقلایی سازی را در فرهنگ‌های مختلف بررسی کرد و به این نتیجه رسید که عقلانیت در ذات فرهنگ‌ها وجود دارد و از کنش عقلایی وسیله هدف (عقلانیت رسمی) و کنش غیربازاری عقلایی ارزشی (عقلانیت ماهوی) تشکیل شده‌است. چنین طیفی از عقلانیت که ارزش‌ها، باورها، اخلاقیات و فلسفه را در برمی‌گیرد، پتانسیل زیادی برای پژوهش در مورد نگرش ساکنین دارد. نظریه‌ی وبر بررسی منافع اقتصادی و غیراقتصادی (ماهوی) گردشگری مانند همبستگی عاطفی، اعتماد و قدرت که ساکنین را تحت تأثیر قرار می‌دهد را ممکن می‌سازد.

عقلانیت رسمی وبر تحت تأثیر خطاها و عوامل عاطفی قرار نمی‌گیرد و به سمت هدف یگانه‌ای حرکت می‌کند: حداکثر ساختن منفعت اقتصادی و این کار را از طریق قوانین بازار انجام می‌دهد؛ بدون توجه به اثرات وارد شده بر هر فرد یا میزانی که ممکن است عقلانیت ماهوی اخلاقی نقض شود. عقلانیت

- MENT IN THE COMMONWEALTH OF DOMINICA. PhD Thesis, Clemson University.
8. Kim, M. J., Lee, C.-K., & Bonn, M. (2016). The effect of social capital and altruism on seniors' revisit intention to social network sites for tourism-related purposes. *Tourism Management*, 53, 96-107. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1016/j.tourman.2015.09.007>
 9. Lew, A. A., Ng, T. P., Ni, C.-c. N., & Wu, T.-c. E. (2016). Community sustainability and resilience: similarities, differences and indicators. *Tourism Geographies*, 18(1), 18-27. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1080/14616688.2015.1122664>
 10. Mihalic, T. (2016). Sustainable-responsible tourism discourse e Towards 'responsustainable' tourism. *Journal of Cleaner Production*, 111, 461-470. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1016/j.jclepro.2014.12.062>
 11. Park, D., Lee, K., Choi, H., & Yoon, Y. (2012). Factors influencing social capital in rural tourism communities in South Korea. *Tourism Management*, 33, 1511-1520. Retrieved from [10.1016/j.tourman.2012.02.005](http://dx.doi.org/10.1016/j.tourman.2012.02.005)
 12. van der Duim, R. (2005). *Tourismscapes: an actor-network perspective on sustainable tourism development*. Wageningen Universiteit: Wageningen Universiteit.
 13. van der Duim, R. (2007). TOURISMSCAPES; An Actor-Network Perspective. *Annals of Tourism Research*, 34(4), 961-976.
 14. Weaver, D. B. (2010). Geopolitical Dimensions of Sustainable Tourism. *Tourism Recreation Research*, 35(1), 47-53. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1080/02508281.2010.11081618>
 15. Weaver, D. B. (2012). Organic, incremental and induced paths to sustainable mass tourism convergence. *Tourism Management*, 33, 1030-1037. doi:10.1016/j.tourman.2011.08.011
 16. Wise, N. (2016). Outlining triple bottom line contexts in urban tourism regeneration. *Cities*, 53, 30-34. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1016/j.cities.2016.01.003>
- رسمی با کاربرد فعلی نظریه مبادله اجتماعی تطابق دارد؛ بر این اساس ساکنینی که به لحاظ مالی از گردشگری منتفع شوند دیدگاه مثبت‌تری نسبت به اثرات گردشگری دارند و از توسعه آن حمایت می‌کنند. از سوی دیگر، عقلانیت ماهوی وبر، بر نیازهای غیراقتصادی متمرکز است.
- بنابراین، نظریه‌ی وبر دلایل اقتصادی و غیراقتصادی برای حمایت یا عدم حمایت ساکنین از گردشگری ارائه می‌دهد. صرف‌نظر از این که ساکنین در صنعت گردشگری اشتغال داشته باشند یا نه، آن‌ها هم‌چنان در مقصد زندگی می‌کنند و زندگی آن‌ها تحت تأثیر گردشگری قرار می‌گیرد. ساکنین هم تحت تأثیر منافع اقتصادی حاصل از گردشگری هستند و هم اثرات اجتماعی فرهنگی و زیست‌محیطی آن. می‌توان توضیح داد که چرا ساکنین علی‌رغم فقدان اثرات اقتصادی مستقیم گردشگری، باز هم از آن حمایت می‌کنند. نظریه وبر در ترکیب با نظریه مبادله اجتماعی، یک دیدگاه نظری قوی برای بررسی گستره‌ی وسیعی از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی اثرگذار بر نگرش ساکنین نسبت به گردشگری فراهم می‌کند (Boley et al., 2014).
- منابع**
۱. قاضی طباطبایی، و داداهیر ابوعلی. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی علم فناوری: تأملی بر تحولات اخیر جامعه‌شناسی علم*. نامه‌ی علوم اجتماعی، ۳۱، ۱۴۲-۱۲۵.
 2. Arnaboldi, M., & Spiller, N. (2011). Actor-network theory and stakeholder collaboration: The case of Cultural Districts. *Tourism Management*, 32, 641-654. doi:10.1016/j.tourman.2010.05.016
 3. Becken, S. (2013). DEVELOPING A FRAMEWORK FOR ASSESSING RESILIENCE OF TOURISM SUB-SYSTEMS TO CLIMATIC FACTORS. *Annals of Tourism Research*, 43, 506-528.
 4. Boley, B. B., & McGehee, N. G. (2014). Measuring empowerment: Developing and validating the Resident Empowerment through Tourism Scale (RETS). *Tourism Management*, 45, 85-94.
 5. Boley, B. B., McGehee, N. G., Perdue, R. R., & Long, P. (2014). Empowerment and resident attitudes toward tourism: Strengthening the theoretical foundation through a Weberian lens. *Annals of Tourism Research*, 49, 33-50. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.1016/j.annals.2014.08.005>
 6. Fairley, S., Tyler, B. D., Kellett, P., & D'Elia, K. (2011). The Formula One Australian Grand Prix: Exploring the triple bottom line. *Sport Management Review*, 14, 141-152. doi:10.1016/j.smr.2010.07.001
 7. Holladay, P. J. (2011). AN INTEGRATED APPROACH TO ASSESSING THE RESILIENCE AND SUSTAINABILITY OF COMMUNITY-BASED TOURISM DEVELOP-



این رو گردشگری بدون تعصب و همراه با سعه صدر می تواند منجر به درک تفاوت های مشروع و طبیعی میان ملل گوناگون شود.

در گردشگری انتظار بر آن می رود که به ترویج حقوق بشر و برابری زنان و مردان و همینطور حقوق کودکان پرداخته شود.

ماده ۳: گردشگری: عامل تحقق توسعه پایدار

تمام فعالین زینفعان موظفند که نسبت به محیط طبیعی در گردشگری مسئولانه و دلسوزانه رفتار نمایند تا همزمان نیاز های نسل کنونی و آینده برطرف شود. همچنین برنامه ریزی های مربوط به توسعه ی گردشگری باید حافظ میراث طبیعی، گونه های در معرض خطر حیات وحش باشد و همواره به ظرفیت طبیعی اکو سیستم و منابع طبیعی باید توجه شد.

ماده ۴: استفاده گردشگری از میراث فرهنگی بشر و نقش سازنده آن در تقویت این میراث بی شک منابع گردشگری از قبیل، میراث هنری، باستان شناسی و فرهنگی، میراث مشترک بشریت هستند و جوامع نسبت به آنها حقوق و وظایف مشخصی دارند برای مثال در مورد بناهای مذهبی باید توجه شود که بازدید از اماکن مذهبی بدون آسیب رساندن به نیاز های عبادی نیایش گران باشد و پیوسته مسئولان باید به دنبال توسعه ی این میراث باشند.

ماده ۵: گردشگری: فعالیتی سودمند برای کشورها و جوامع میزبان مشارکت مردم محلی در فعالیت های گردشگری منجر به

در مقدمه منشور جهانی اخلاق گردشگری آمده است:

”ما اعضای سازمان جهانی گردشگری (UNWTO) نمایندگان صنعت گردشگری و فرستادگان دولت ها، سرزمین ها، بنگاه های اقتصادی، نهاد ها و مجموعه ها که به مناسبت مجمع عمومی سازمان جهانی گردشگری در تاریخ یک اکتبر ۱۹۹۹ در کشور شیلی شهر سانتیاگو گرد هم آمدیم...”

اشاره به این مقدمه کوتاه به منظور روشن سازی نحوه ی تالیف این منشور اخلاقی که اصول آن شامل ده ماده قانونی میباشد و در ادامه به صورت چکیده موارد آن توضیح داده میشوند، آمده است.

ماده ۱: سهم گردشگری در شناخت و احترام متقابل میان ملت ها و جوامع

احترام به ارزش های مشترک میان بشریت و رفتار محترمانه نسبت به عقاید اخلاقی، فلسفی و مذهبی گوناگون زیر بنای گردشگری مسئولانه است.

احترام به اقلیت ها و مردم بومی از الزامات گردشگری مسئولانه است. بهترین راه برای گردشگران که قصد سفر به سرزمین های دیگر را دارند این است که از قبل با ویژگی های مقصد مورد نظر آشنایی پیدا کنند.

ماده ۲: گردشگری وسیله خود شکوفایی فردی و جمعی

گردشگری در بردارنده ی فعالیت هایی نظیر؛ استراحت، تمدد اعصاب، ورزش و در تماس بودن با فرهنگ و طبیعت است از

توزیع عادلانه منفعت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این فعالیت ها در بین جوامع محلی می شود. پیوسته باید برنامه ریزی های گردشگری در راستای سود رسانی و ارتقای استاندارد زندگی مردم مناطق مورد بازدید باشد. سرمایه گذاران باید به عواقب منفی که پروژه های شان برای مردم محلی به دنبال دارد و آگاه باشند که این عواقب را با شفافیت با مردم مطرح کنند.

ماده ۶: وظایف ذینفعان توسعه گردشگری

آگاه سازی گردشگران در مورد اماکن اقامتی و اطلاعات مفید در زمینه ی مقصد و شرایط سفر بر عهده ی شاغلین گردشگری است. شاغلین گردشگری با همکاری مقامات حکومتی در جهت تامین امنیت و بهداشت خریداران خدمات خود تلاش کنند. در صورتی که شرکت سازمان دهنده ی سفر با مشکل ورشکستگی رو به روشود، مقامات حکومتی هر دو کشور گردشگریست و گردش پذیر باید با کمک متخصصان و مجامع صنفی. گردشگری در صورت بروز این مشکل در جهت بازگرداندن گردشگر به میهن خود چارای بیندیشند. آگاه سازی شهروندان هنگامی که شرایط نامساعدو ممکن است در حین سفر خارجی باخطر مواجه شوند. اهمیت نشریات تخصصی سفر و سایر رسانه ها در خصوص رخ داد ها و وضعیت هایی که جریان و تعداد گردشگران را تحدت تاثیر قرار می دهد اطلاع رسانی کنند.

ماده ۷: حق گردشگری

توجه به حق برابر تمام ساکنان در دسترسی به منابع سیاره زمین و حق گردشگری برای تمام ساکنان زمین برابر است. و همه ی انسان ها حق برابر در استفاده و لذت بردن از منابع طبیعی را دارند. حق جهان شمول گردشگری را باید به عنوان نتیجه منطقی حق استراحت و تفریح در نظر گرفت. از این رو بایستی گردشگری های مختلف از قبیل گردشگری خانواده ای، جوانان، دانشجویی، سالمندان و گردشگری ویژه ی افراد کم توان باید تشویق و تسهیل شود.

ماده ۸: عبور و مرور آزادانه گردشگر

حق عبور و مرور آزادانه (طبق ماده ۱۳ اعلامیه جهانی) در کشور خود و در میان کشورها برای گردشگران و بازدید کنندگان

گماشته شده است.

ماده ۹: حقوق کارکنان و کارآفرینان صنعت گردشگری

کارکنان و افرادی که صاحب مشاغل صنعت گردشگری هستند بایستی در زمینه فعالیت های آموزش های اولیه کسب کنند و همینطور نا امنی شغلی آنها باید تا حد ممکن محدود گردد و برای کارگران فصلی این بخش باید جایگاه ویژه ی از رفاه اجتماعی در نظر گرفته شود. همه ی افراد باید بتوانند به شرط داشتن توانایی و مهارت لازم در زمینه گردشگری فعالیت حرفه ای نمایند و با حداقل محدودیت های قانونی و اجرایی مواجه شوند.

ماده ۱۰: تحقق اصول منشور جهانی اخلاق گردشگری

همه ی ذینفعان توسعه گردشگری ضمن رعایت کامل اصول عمومی حقوق بین الملل باید نقش نهاد های بین الملل و سازمان های غیر حکومتی ذی صلاح را در ترویج و توسعه گردشگری و حمایت از حقوق بشر و محیط زیست و سلامتی به رسمیت بشناسند. برای حل و فصل هر گونه اختلاف نظر در مورد اجرا و تفسیر "منشور جهانی اخلاق گردشگری" به مجموعه ی سوم بی طرفی به نام کمیته جهانی اخلاق گردشگری مراجعه نمایند.

نمونه‌ای از توسعه‌ی پایدار در ایران

منبع: Ehsanu, Afsane, 2017, 'lapui Tow-practical example of sustainable development'. Journal of gilgamesh 1, 54-56

مترجم: محمد شیخ‌للو

با این که توسعه‌ی پایدار یک مفهوم جدید نیست اما علاقه به این موضوع رشد کرده. توسعه‌ی پایدار ما را به سمت چگونگی تغییر دادن روش زندگی برای افزایش کیفیت زندگی هدایت میکند. در دانشگاه‌ها در این مورد بحث شده و کنفرانس‌های زیادی برگزار شده و در مقاله‌های علمی نیز به آن اشاره شده است. یکی از تجارب مناسب و با ارزش من در این موضوع در یک شهر کوچک (لپویی) اتفاق افتاد.

تجربه‌ی من در طول یک سفر به شیراز بود. جایی که من دعوت شده بودم تا یک شب را در خانه‌ی سنتی بومی که تقریباً یک موزه‌ی مردم‌شناسی بود اقامت کنم. لپویی در زرقان در شمال غرب شیراز و در استان فارس ایران قرار دارد. این شهر تاریخ بسیار غنی، مربوط به اسناد تاریخی دارد و همچنین دارای اشیای تاریخی مثل سفال و کوزه‌های گلی و تپه‌های باستانی است که قدمت آن‌ها به ۶۰۰ سال پیش باز می‌گردد. خانه‌ای که من در آن اقامت داشتم حدود ۱۰۰ سال قدمت داشت. خانه‌ی خشتی ۲ طبقه که میزبان‌های خوش مشرب من، آقا و خانم جعفری بودند. خانم جعفری در مورد تاریخ و محیط زیست بسیار مشتاق بود و مجله‌ای با عنوان توسعه‌ی پایدار مربوط به ۸ سال پیش با یک تصویر کارتونی و تیر مناسب بر روی جلدش بود را مطالعه می‌کرد.

این مجله توجه من را برای پرسیدن سوالات بیشتر جلب کرد، و بسیار مهم است که توجه داشته باشید هر دوی آن‌ها تحصیلات پایه را به تازگی پشت سر گذاشته‌اند. ولی داستان طولانی آن‌ها برای علاقه و تلاششان در مورد گذشته، طبیعت و توسعه‌ی پایدار (یک مفهوم کاملاً آشنا) سالها پیش آغاز شد.

بهادر جعفری از زمان کودکی به تاریخ و طبیعت علاقه مند شده بود و وقتی که با راضیه جعفری که به وسیله‌ی هنر و فرهنگ و تاریخ و محیط زیست بسیار تحت تاثیر قرار گرفته بود ازدواج کرد علائق مشترکشان باعث تحقیق در مورد تاریخ و فولکلور و سنت‌های لپویی در سال ۱۹۹۷ شد.

فقر و نداشتن تحصیلات رسمی باعث شد که آن‌ها با موانع جدی مواجه شوند. ولی با بالا رفتن توقعات و تلاش زیاد آن‌ها با قدرت بیشتر خودشان را مجاب به تحقیق کردند. ثمره‌ی تلاش آن‌ها کتابی با اسم (لپویی، ستاره‌ی درخشان فارس) بعد از آن و خیلی زود جلد دوم هم به چاپ رسید و در حالی که آن‌ها مشغول نوشتن کتاب بودند موفق به ثبت لپویی به عنوان شهر تاریخی شدند. این دو نفر به طور مستمر پیگیر ثبت برخی از آثار باستانی لپویی بودند که ثبت این آثار منجر به حفاظت از آن‌ها می‌شد.

بر طبق تلاش‌های آن‌ها میراث فرهنگی، صنایع دستی و سازمان گردشگری استان فارس آقای جعفری را به عنوان عضو افتخاری معرفی کرد. در مارس ۲۰۱۶ به واسطه‌ی تلاش‌های قابل توجه، آن‌ها خانه‌ای را بازسازی کردند و آن را تبدیل به یک موزه‌ی مردم‌شناسی و یک خانه‌ی سنتی بومی کردند.

هتل به وسیله‌ی کل خانواده اداره می‌شود و برای مهمان‌ها غذاهای ارگانیک سرو می‌شود. در هنگام بازدید از این سایت، اندیشه‌های درخشان و مهیج، وفاداری به سنجیت، تاریخ و فرهنگ ایران به طور واضح و پسندیده قابل مشاهده است.

امکاناتی همچون اقامت در اتاق‌های سنتی، صرف صبحانه در حیاطی که دارای دیوارهای آجری و خشتی است و در کنار حوضی فیروزه‌ای و فواره دار در فضایی با روحیه‌ی اصیل ایرانی قرار دارد، برای مهمان فراهم است. به علاوه برای تجربه‌ی زندگی ۱۰۰ سال پیش، مهمانان می‌توانند از قسمت‌های دیگر نظیر موزه نیز بازدید کنند. مهم تر از همه اتاق بی‌بی بود که اتاق سنتی با جزئیات بسیار ایرانی در سده‌ی آخر که همه‌ی لوازم خانگی پیشینه‌ی تاریخی داشتند و توسط افراد محلی به موزه اهدا شده بودند.

آبادسازی ۱۷۰ هکتار از زمین هایی که بی استفاده مانده بودند و کاشتن زیتون و بادام در آن ها بود.

کارها و ساخته های دیگری که انجام دادند ساختن سد خاکی بود که از فرسایش خاک جلوگیری کند. هرساله سیلاب باعث ایجاد خسارت های زیادی میشد ولی طرح سد و درختان از اتلاف آب، خسارت خانه ها و فرسایش خاک جلوگیری کرد. همچنین به خاطر شرکت تعاونی مردم یک وام صندوق دارند که از یک بخش کوچک تنخواه شروع شد و در حال حاضر به میزان قابل توجهی رشد کرده است.

زنان لپویی نه تنها نقش قابل توجهی در توسعه ی شهر داشتند بلکه پیشگامان این توسعه نیز بوده اند.

شرکت تعاونی توسعه ی پایدار درواقع با همکاری و همیاری زنان لپویی تاسیس شد. برای مثال آن ها نقش پر قدرت و موثری در کاشت درختان داشتند. به علاوه آن ها هر هفته مجله ای با کمک نویسندگان و همکاری زنان انتشار می کردند. همچنین صندوق وام مبتنی بر همکاری و کوشش زنان شروع شد.

در نهایت به این نتیجه می رسیدن به توسعه پایدار با همکاری تمام افراد جامعه به وقوع می پیوندد و رفتار و تلاش مردم لپویی برای سایرین الگوی بسیار خوبی در جهت دستیابی به توسعه و رشد است.

این زن و شوهر متعهد و بی قرار همچنان در حال تلاش برای به ثبت رساندن ۴ غذای سنتی لپویی هستند به عنوان غذای ملی که با آن ها میتوانید از خانه ی سنتی بومی لذت ببرید، هستند. ولی اگر در مورد محتویات و مواد تشکیل دهنده ی آن ها بپرسید تنها جوابی که از خانوم جعفری میگیرید این است که مقداری گیاه و ادویه ی دارویی محلی برای تهیه غذا استفاده شده است.

همچنان آقای جعفری پیشنهادی برای ساختن پارک پرندگان داده اند تا گونه های پرندگان آن منطقه را حفظ کنند که همچنین میتواند برای افراد محلی ایجاد شغل کند.

خوشبختانه این طرح به موافقت انجامید و به زودی به اجرا میرسد. همچنین او در تلاش است تا حمام عمومی لپویی را به عنوان یک بنای تاریخی حفظ و تبدیل به موزه کند.

تمامی فعالیت های ذکر شده در جذب گردشگر، توسعه و رشد اقتصاد منطقه و هدایت به سمت حفظ منابع طبیعی.

در حال حاضر همه ی این فعالیت ها مربوط به آقا و خانم جعفری نمی باشد. بلکه تمامی مردم محلی لپویی با انسجام و روحیه و شور و شوق همکاری می کنند.

آن ها همکاری فوق العاده ای در چاپ کتاب ها و بازسازی خانه های بومی نشان دادند.

برای انتشار جلد دوم آقا و خانم جعفری با مشکلات اقتصادی مواجه شدند، در نتیجه مردم با فکر و سخاوتمند لپویی تصمیم گرفتند تا کتاب را پیش خرید کنند تا بر این مشکل فایق آیند.

همچنین هنگام افتتاح خانه ی سنتی، در حالی که مردم محلی برای بازسازی کمک کرده بودند و میتوانستند از موزه به طور رایگان بازدید کنند، بلیط های موزه را به عنوان هدایای سال جدید برای فرزندان خود خریداری کردند. (یک راه زیبا و گرم برای نشان دادن حمایت) به علاوه بیشتر آثار باستانی موزه توسط افراد محلی اهدا شده بودند ولی این همه ی داستان نیست، سال پیش یک شرکت تعاونی در لپویی تاسیس شد (شرکت تعاونی توسعه ی پایدار) که نقش بسیار موثری در توسعه ی شهر داشت.

آن ها حوزه ی آبریز را در راه های مختلف مدیریت کردند. یکی از مهم ترین فعالیت هایی که شرکت تعاونی اداره کرد



گردشگری پایدار و نگاهی کوتاه به رویکرد کشور فرانسه

نیما مشیری لنگرودی، دانشجوی کارشناسی مدیریت جهانگردی گیلان

محیطی، اجتماعی و فرهنگی نامطلوب گردشگری را مورد تایید قرار دادند. در دهه مذکور پیامدهای زیست محیطی ناشی از گردشگری به تنها دغدغه محققان این حوزه مبدل شد (قدمی، ۱۳۹۰، ص. ۶۳ به نقل از Butler, 1980, p.5).

بدین ترتیب پس از جهانگردی انبوه، جهانگردی جایگزین گسترش پیدا کرد. که این نوع گردشگری به گروه های مختلفی مانند گردشگری شهری، روستایی، ایلیاتی، سلامتی، اکوتوریسم، ماجراجویانه و مسئولانه و..... تقسیم می شود و ما به مجموع آنها "گردشگری سبز" می گوئیم (حسن زاده، ۱۳۹۴، ص. ۴۰). و دلیل این چند بخشی بودن آن است که، توسعه نیز در عصر پسامدرن مبنای چند بعدی یافته و از حالت تک نگری و بخشی بودن گذار نموده است (پوراصغر و ویسی، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۶). «گردشگری سبز» از راهکارهای مهم

نیل به توسعه ی پایدار به شمار می رود؛ چراکه آثار تخریبی زیست محیطی آن حداقل و منبعی تمام نشدنی است. بدین ترتیب می توان همزمان با حفاظت از تنوع زیستی، از مناطق دیگر سرزمین بهره برداری متناسب، به شکلی مداوم و پایدار به عمل آورد و در عین حال، به افزایش رونق اقتصاد سرزمین از طریق ایجاد اشتغال، درآمد و بهبود رفاه جامعه کمک کرد و توسعه این فعالیت بدون داشتن الگوی برنامه ریزی راهبردی مشخص، موجب تمرکز شدید آن در یک منطقه و همچنین

در عصر حاضر صنعت گردشگری به عنوان بزرگ ترین صنعت جهان امروز و یکی از ارکان توسعه پایدار معرفی می شود. جهانگردی یک فعالیت فرهنگی منبعث از فطرت جستجوگر انسانی است. در جریان تکامل رویکردهای برنامه ریزی برای توسعه جهانگردی، رویکردی که بیشتر از سایر رویکردها مقبولیت یافت، توجه به گردشگری پایدار بود، بدین معنی که گردشگری را به عنوان مکمل همه شیوه های امرار معاش انسان ها در مناطق گردشگر پذیر ارزیابی می کرد (حسن زاده، ۱۳۹۴، ص. ۴۰). توسعه صنعت گردشگری به عنوان یک راهبرد و استراتژی به منظور کاستن از عدم توازن های منطقه ای و سرزمینی و در جهت تعدیل نابرابری میان روستا و شهر از حیث فرصت ها، منابع و منافع، ضرورتی اساسی و اجتناب ناپذیر به شمار می رود (پوراصغر و ویسی، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۶ و ۱۸۷).

در ابتدا گردشگری به صورت گردشگری انبوه بوده است و کشورها تنها با دید اقتصادی و بدون در نظر گرفتن اثرات منفی آن بر طبیعت و فرهنگ منطقه به این صنعت می پرداخته اند. به اشتباه، تا اواخر دهه ۱۹۷۰، گردشگری به عنوان فعالیتی طلایی و بدون دود (آلودگی) معرفی و همواره بر پیامدهای مطلوب و منافع آن به ویژه منافع اقتصادی تاکید می شد. دهه ۱۹۸۰، یافته ها و گزارشهای تحقیقی متعدد، پیامدهای زیست

عصر گردشگری

شماره پانزدهم، پاییز ۹۷



می شویم و در قعر جدول آمار WTO سازمان جهانی جهانگردی قرار می گیریم این در حالی است که سال ۲۰۰۲ از طرف سازمان ملل به عنوان سال اکوتوریسم نامگذاری گردیده بود(اسماعیلی نیا، ۱۳۸۲).

کشور فرانسه از کشورهای پیشرو در زمینه گردشگری سبز و اکوتوریسم می باشد. گردشگری در فرانسه ۶/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی فرانسه را شامل می شود. فرانسه از نظر تعداد ورودی ها در طول ۱۵ سال گذشته برترین مقصد دنیا بوده است. در فرانسه مسئولین تدوین و اجرا خط مش گردشگری دولت مرکزی است و همچنین مسئول هماهنگی میان اقدامات بخش دولتی و خصوصی در حوزه گردشگری دولت است.

دولت مرکزی فرانسه برای اجرای این خط مش ها به سه بخش تقسیم می شود: (۱) اداره گردشگری (۲) اداره توسعه گردشگری فرانسه (۳) اداره بن سفر

به علاوه خط مش های اصلی کشور فرانسه برای کاهش آسیب های گردشگری و برقراری تعادل بین سود و ضرر های گردشگری دولت فرانسه خط مش های غیرمتمرکز هم وضع کرده است که به شرح ذیل به اجرا در می آید:

۱) مناطق(شوراهای منطقه ای):اهداف گردشگری میان مدت را در چهارچوب منطقه تدوین میکند

۲) شورا شهرها:مسئولیت طراحی دفترچه های گردشگری شهری است

۳)بخش: طبق اهدافی که سیاست های منطقه ای تدوین کرده

عدم توزیع آن در مناطق مناسب و بهره برداری بیش از حد منابع و امکانات شده، آثار زیان بخش و نامطلوبی را به بار می آورد(افتخاری و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۴).

یکی از زیر گروه های گردشگری سبز، «اکوتوریسم» می باشد که از ترکیب واژه های اکولوژی و توریسم تشکیل شده است. اکوتوریسم انواعی از توریسم را شامل می شود که به طبیعت به طور مستقیم و غیرمستقیم مربوط می شود و انگیزه اصلی بازدید و استفاده از جذابیت های طبیعی و فرهنگ بومی است، بدون اینکه خسارتی را متوجه آن نماید(حسن زاده، ص. ۴۱).

حفظ تنوع زیستی، مشارکت در تأمین رفاه اجتماعی از اهداف اکوتوریسم می باشد. همچنین کمک به اقتصاد محلی و ترویج فرهنگ زیست محیطی از اثرات مثبت اکوتوریسم و آلودگی، تخریب محیط و نابودی گونه های جانوری و گیاهی از اثرات منفی آن می باشد. برای حفظ اکوتوریسم، پایداری آن باید مدنظر باشد که با سازماندهی، برنامه ریزی درست، مشارکت مردم محلی و آموزش می توان به آن رسید(میرزایی و فومن اجیرلو، ۱۳۹۶، ص. ۴).

امروزه کشورهایی که بیشتر به توسعه اقتصادی خود می اندیشند به صنعت گردشگری به عنوان یک ضرورت مهم می نگرند و از آن جا که اکوتوریسم از شاخه های مهم گردشگری است به آن توجه جدی می نمایند. در کشور ما به دلیل نبود مدیریت درست، این پتانسیل دچار نقصان شده است و در نتیجه جزء کشورهای عقب مانده در این زمینه محسوب



به طراحی برنامه میپردازد

۴) طبق ماده ۷۴ قانون اساسی فرانسه به مناطق خارج فرانسه (چهار منطقه جدا از فرانسه: گوینا فرانسه، گوادلوپ، مارتینیک و ریونیون) در زمینه گردشگری آزادی کامل داده شده است.

برنامه راهبردی گردشگری فرانسه

بر اساس برنامه راهبردی گردشگری، مهم ترین موضوعات مورد توجه عبارت اند از:

• جذب گردشگر از بخش های در حال رشد: هدف افزایش از سهم بازار های جدید کشور های گردشگر فرست مانند چین، هند، برزیل و...

• افزایش مخارج سرانه هر بازدیدکننده: هدف افزایش مخارج گردشگر با بهبود کیفی عرضه گردشگری است همچنین ایجاد وفاداری به مصرف کننده به مقصد فرانسه از طریق بهبود کیفیت است.

• توسعه گردشگری پایدار به گونه ای که موجب حفظ تعادل طبیعی و زیست محیط فرانسه شود: تقاضای مشتریان به سمت گردشگری پایدار و متوازن در حال تغییر است بنابراین این تدارک زیر ساخت های مناسب و تنوع بخشی به فعالیت های گردشگری در جهت فراهم آوردن فرصت های گردشگری در همه فصول سال و در سراسر کشور یک الزام است. این امر ضمن فراهم کردن امکان حفاظت از دارایی های طبیعی و فرهنگی به توسعه گردشگری به شیوه ای متوازن کمک می کند.

• فراهم آوردن امکان سفر برای قشرهای مشخصی از جامعه: اداره ملی بن سفر متصدی اصلی این امر است.

تبدیل گردشگری به موضوع مورد توجه همگان

شرکت های زنجیره ای، انجمن ها، شبکه ها و موسسات، اقدامات متعددی در زمینه گردشگری پایدار در فرانسه انجام داده اند مثل مجوز کمپینگ کوالیته (که شامل کمپ هایی در کنار دریا و کوهستان یا خارج شهر ها هست که پنج اصل اساسی دارند ۱) سازگار با طبیعت هستند ۲) افراد در تور در چادر اقامت دارند (با اختلاف حدود ۱۰۰ یورو می توانند در خانه هم مستقر شوند) ۳) افراد اطلاعات کامل از منطقه دارند تا به محیط آسیب نزنند ۴) همراه با برنامه تمیز کردن طبیعت و ۵) مسولیت پذیری، مارک کوته نیچر. کمیته توسعه پایدار گردشگری نیز هزینه ها و منافع سرمایه گذاری های زیست محیطی در زمینه اقامت گردشگری را در دست مطالعه دارد. هدف از این مطالعات، کمک به مالکان و تامین کنندگان مالی در تحلیل واقع بینانه هزینه-منفعت این گونه سرمایه گذاری ها است.

از جمله اقدامات اخیر کشور فرانسه در زمینه تغییرات اقلیمی در زمینه های گردشگری:

۱. آژانس های مسافرتی به مشتریان کمک میکنند برای

جلوگیری از انتشار گازهای گلخانه ای

۲. شرکت های هواپیمایی با خرید هواپیمایی و کمتر آلاینده نقش خود را ایفا میکنند

۳. مشتریان با کاهش مسافرت های هواپیمایی و اتومبیلی به خاطر افزایش نرخ سوخت.

۴. دولت با رواج شیوه های با آلایندهی کمتر مثل حمل و نقل عمومی و مسافرت های سازگار با محیط زیست مثل دو چرخه سواری شهری و مسیر های پیاده روی نقش خود را بازی می کند.

منابع:

۱. اسماعیلی نیا، ن. (۱۳۸۲)، هفت اقلیم در یک مرز. تشریه جهان هوانوردی و گردشگری شماره ۵۵.

۲. حسن زاده، فریبا. (۱۳۹۴). «گردشگری سبز، محیط زیست و توسعه پایدار». فصلنامه فضای گردشگری، سال چهارم، شماره ۱۴.

۳. تاجری نسب، ثمینه، گردشگری و پایداری

۴. قدمی، مصطفی، (۱۳۹۰)، ارزیابی و تدوین استراتژی مقصد در چارچوب توسعه پایدار گردشگری نمونه مورد مطالعه: کلان شهر مشهد، مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای، سال سوم، شماره نهم، تابستان، صص ۸۲-۵۹

۵. پور اصغر، فرزاد و ویسی، رضا، (۱۳۹۰)، آمایش سرزمین مبنایی برای توسعه صنعت گردشگری پایدار، فصلنامه علوم اقتصادی، (سال چهارم، شماره ۱۴، بهار، صص ۱۸۶-۲۰۰)

۶. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، مهدوی، داوود و اکبری سامانی، ناهید، (۱۳۹۲)، ارائه الگوی برنامه ریزی راهبردی توسعه گردشگری پایدار روستایی (مطالعه موردی: دهستان لوسان کوچک)، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۱، بهار، صص ۱۲۳-۱۴۶

7. Choi, S.Hwan. (2003). Measurement of Sustainable Development progress for Managing Community Tourism, Dissertation for PHD) Texas A&M University

8. Butler, R. W. (1980). The concept of tourist area cycle of evolution: Implications for management of resources. Canadian Geographer. 24, 5-12.

9. Mills, R. C. (2002). Tourism the international business. Englewood Cliffs: Prentice Hall.

روحیات ملل: هند



آیین هندو، که حدود ۸۰ درصد جمعیت مشمول آن می‌شوند، مجموعه‌ای از ادیان است که همه باهم هندو نامیده شده‌اند. دو برادر هندو ممکن است یکی به خدای یگانه اعتقاد داشته باشد ولی دیگری خدارا در اجسام و مجسمه‌ها تصور کند، اما نکته اینجاست که هر دو برادر به خوبی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و به عقاید یکدیگر احترام می‌گذارند. عدم خشونت ورزی و آرام بودنشان باعث شده نسبت سگته‌های قلبی آنها یک پانزدهم ایران باشد.

مدارای آنها با حیوانات از آنجا مشخص می‌شود که در حین راه رفتن در سطح شهر به حیوانات و پرندگان متفاوتی برخورد می‌کنند که با فاصله‌ی بسیار کمی از شما در حال گذر هستند و هیچ ترسی از مردم ندارند. تنها تداخل انسان و حیوان این است که اگر شما جایی که میمون وجود دارد خوراکی‌ای در دست داشته باشید باید آنرا ببوشانید و گرنه آنرا از دست می‌دهید.

مدارای با طبیعت به گفته‌ی دکتر موحد در هندوستان همه چیز ارزان تر از ایران است بجز انرژی. هرکس بیش از اندازه مصرف کند هزینه را تصاعدی می‌پردازد. سیاست بالا بودن قیمت انرژی این است که با کاهش مصرف، حداقل آسیب به طبیعت وارد شود.

غذا

چیزی که همه راجع به غذای هندی می‌دانیم تندی غذاشان است که البته برای اقشار ثروتمند از تندی غذا کاسته می‌شود و به جز فلفل، سیر و زنجبیل نیز در تمام غذاها وجود دارد. اما حقیقت‌های دیگری هم در رابطه با غذا هست؛ برای مثال

در بخش روحیات ملل این شماره از نشریه عصر گردشگری به کشور هند می‌پردازیم.

سرزمینی که با ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون جمعیت بزرگ‌ترین کشور دموکرات جهان محسوب می‌شود. این روزها همه هند را با تاج محل می‌شناسند یا می‌توانند با یک جستجو در اینترنت راجع به جشنهایی مثل هولی و اونام بخوانند اما کمتر متنی پیدا می‌شود که راجع به فرهنگ مردم این سرزمین سخن گفته باشد، که البته راجع به فرهنگ مردم هند هم هر موقع حرفی وسط می‌آید همه از کثیفی و فقر آنجا صحبت می‌کنند و کمتر کسی پیدا می‌شود که به اصل فرهنگ هندوستان پی برده باشد.

در حین تحقیقات و جمع‌آوری اطلاعات ما به استاد گرانقدری برخورد کردیم که چهار سال تحصیلی‌شان را همراه خانواده در هندوستان زندگی کرده بودند. استاد مجید موحد از اساتید بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز که تاکید بسیار زیادی روی فرهنگ و بسته‌های فرهنگی هند داشتند. از نقطه نظر ایشان گردشگری فقط مکان و ساختمان نیست گردشگری یعنی اگر مثلاً در معبد هندو رفتیم باید مسائل فرهنگی مربوطه به آن مکان را یاد بگیریم. سبک زندگی، غذا، مراسم‌ها و پوشاک بسته‌های فرهنگی بسیار مهمی تلقی می‌شوند که به بعضی از آنها می‌پردازیم.

سبک زندگی

به طور کل تمام رفتار و عملکرد هندی‌ها برپایه‌ی مدارای و همزیستی با حیوان و طبیعت است. و یکی از بزرگترین شاخصه‌های رفتاریشان تحمل انسان‌های متفاوت با خود است.

عصر
گردشگری

شماره پنجم پاییز ۹۷





چاپاتی و روتی از خوشمزه ترین غذاهای هندی هستند که به مسافرین علاقه مند به غذای تند هندی پیشنهاد می شود. (برای خوردن غذاهای هندی رستوران تاج محل شیراز را می توانید امتحان کنید)

پوشاک

مردم هند برای لباس های هندی (بومی و سنتی) ارزش و اهمیت خاصی قائل اند.

در سطح شهر ممکن است به دخترانی برخورد کنید که لباس هندی نپوشیده باشند اما در مراسم ها و جشن ها غیرممکن است که کسی را با لباس غیر هندی ببینید، مسن ترها نیز همیشه لباس بومی خود را به تن دارند.

چیزی که در پوشش هندی ها جلب توجه میکند این است که آنها همیشه دمپایی به پا دارند و کفش تقریباً هیچ استفاده ای ندارد. همگی با مقام و منصب و شأن اجتماعی متفاوت، به یک سبک لباس میپوشند.

حتی پابرهنه بودن جزو فرهنگشان به حساب می آید و برای جلوگیری از آلودگی در بعضی از اماکن پابرهنه قدم برمی دارند. رنگ ها در هندوستان به شدت جلب توجه می کنند و لباس مشکی به ندرت دیده می شود؛ آن هم فقط بر تن بعضی از هنرپیشه های مرد. هندی ها حتی در مراسم های عزاداری نیز لباس سفید می پوشند.

جایگاه علمی هند

کشور هند در نیم قرن اخیر به پیشرفت های چشمگیری در زمینه های مختلف علمی و فنی نایل آمده است. این کشور در حال حاضر با داشتن بیش از ۲۷۳ دانشگاه معتبر، ۱۱۸۳۱

هندوها معتقدند غذا خوردن یک تجربه حسی است و غذا خوردن با دست ها باعث برانگیختن علاقه و احساسات می شود. در باورهای آنها آمده است که هر انگشت دست راست، نمادی از نشانه های طبیعت است. مثلاً انگشت شست نماد فضا، انگشت اشاره نماد هوا، انگشت میانی نماد آتش، انگشت حلقه نماد آب و انگشت کوچک هم نماد زمین است. خوردن انگشتان در هنگام غذا، این پنج عنصر را تحریک کرده و به گوارش مواد غذایی در معده کمک می کند. این باور آنقدر عمیق و فراگیر است که در رستورانهای بسیار شیک و گران قیمت قبل از سرو غذا میزبان رستوران دو ظرف که یکی پر از آب است آورده و مهمان دست هایش را می شوید تا بتواند به راحتی با دست غذا بخورد.

یکی از رسم های جالب غذا خوردن در جنوب هند و بخصوص کرالا سرو غذا روی برگ موز می باشد. براساس باور آنها خوردن غذا بر روی برگ موز برای سلامتی بسیار مفید است چرا که قرار دادن غذاهای گرم بر روی این برگ ها باعث می شود غذای شما غنی از مواد مغذی و ویتامین ها شود. از طرف دیگر این برگ های یک بار مصرف بهداشتی تر از ظروف چوبی و پلاستیکی بوده و به محیط زیست نیز آسیب نمی رسانند.

برنج در فرهنگ هند جایگاه خاصی دارد و نماد و مفهوم برکت برای زندگی را دربر دارد. در مراسمات عروسی در کنار هدیه ای که به عروس و داماد می دهند، هرکسی چند دانه برنج روی سر عروس و داماد می ریزد و آرزوی فزونی برکت برای زندگی آنان می کند.

مرغ تیکا و پاتیلوا و تندوری، خورشید بادام بسنده، نان های



اختیار دارد و به نام لال قلعه (Lal Qila) هم شناخته می‌شود. لال قلعه از ماسه سنگ‌های سرخ رنگ ساخته شده است. اگر با دقت به دروازه‌ی لاهور این قلعه نگاه کنید آثار گلوله‌های شلیک شده در جنگ اول استقلال هند در برابر بریتانیا را مشاهده می‌کنید.

قصر هوامحل، شاهکار صورتی هند

شهر جیپور یکی از شهرهای پرجاذبه‌ی هند است و به شهر صورتی معروف است. هوامحل، قصر بادهاست. یکی از کاخ‌های دیدنی شهر جیپور که با نمای خاص و متفاوت خود یکی از برترین جاذبه‌های گردشگری این شهر به حساب می‌آید. این بنای بزرگ که یکی از نمادهای معروف هند است از شن‌های ریز سرخ و صورتی رنگ ساخته شده است؛ به همین دلیل ظاهر آن به رنگ صورتی روشن است. اگر به تماشای این بنا رفتید انتظار دیدن پنجره‌های کوچک و بسیاری را داشته باشید. هوامحل دارای ۹۵۳ پنجره است که برای محافظت از حریم شخصی شاه و خاندان او ساخته شده‌اند. اما هدف اصلی از ساخت این بنا با این تعداد پنجره آشنایی زنان حرمسرا و خاندان پادشاه با زندگی روزمره مردم کوچه و خیابان بوده است، به شکلی که آنها بدون مزاحمت کسی می‌توانستند از پنجره‌های کوچک قصر بیرون را ببینند.

شهر گوا

همین که وارد شهر گوا می‌شوید، فضای متفاوت حاکم بر آن ذهن شما را به سمت کشورهای اروپایی می‌برد. دلیل آن هم

کالج و مرکز آموزش عالی و ۷۰۰ مرکز تحقیقات علمی، مقام نخست را در بین کشورهای در حال توسعه و مقام پنجم را در سطح جهان دارا می‌باشد. این کشور در علوم کامپیوتری پیشرفت بسیاری داشته است و یکی از تولیدکنندگان عمده‌ی نرم‌افزارهای کامپیوتری در جهان به شمار می‌آید.

موقعیت اقتصادی

به طور کل هند کشوری ثروتمند است اما به وجود آوردن رفاه اجتماعی برای این جمعیت زیاد واقعا کار دشواری است. اختلاف طبقاتی بسیاری وجود دارد و این اختلاف به وضوح به تصویر کشیده می‌شود.

امکانات و خدمات برای همه‌ی طبقه‌های اجتماعی وجود دارد اما با کیفیت‌های متفاوت. برای مثال همانطور که گفته شد همه به یک سبک لباس می‌پوشند اما کیفیت جنس لباس‌ها، تزئینات روی پارچه و ویژگی‌هایی از این دسته برای طبقه‌های مختلف فرق دارد، یا مثلا از آنجا که استفاده از قطار به شدت رواج دارد، نوع قطارها بسیار متنوع و با همه نوع قیمت وجود دارد؛ حتی نوعی قطارها هستند که پولی برای آنها پرداخت نمی‌شود و مردم به آن می‌چسبند که قطارهای حمله‌ای خوانده می‌شوند.

معرفی چند مکان گردشگری

قلعه‌ی سرخ

این قلعه مقام اول جاذبه‌های گردشگری در شهر دهلی را در

عصر گردشگری

شماره دوازدهم پاییز ۹۷





۴۵۰ سال حکومت پرتغالی ها بر این منطقه بوده است. معماری تمام خانه ها در شهر و روستاهای این شهر تحت تاثیر فرهنگ پرتغالی ها بوده است. به طور کلی به شهر گوا ویتترین گردشگری در کشور هند می گویند، زیرا یکی از زیباترین و پاکیزه ترین شهرهای هند بوده و دارای طبیعت سرسبز در کنار رودهای فراخ با کشتزارهای برنج، نخل های فراوان و دیگر درختان گرمسیر که باعث ایجاد جلوه خاصی در شهر گوا شده اند. این نکته را هم باید بدانید که ۹ اثر تاریخی در این شهر در فهرست آثار یونسکو به ثبت رسیده است.

غذاهای گوا بسیار معروف هستند و مخلوطی از غذاهای پرتغالی، جنوب هند و عربی اند اما به سبب حضور همیشگی گردشگران، غذاهای متنوعی در همه جای شهر در دسترس است. گوا یکی از معدود مکان های هند است که اغلب رستوران های آن گوشت گاو هم سرو می کنند. تمامی این موارد باعث شده اند که گوا یکی از شهرهای معروف هند باشد. اگر به این شهر سفر کردید دیدن "ابشارهای دودهساگار" و "ساحل آگوندا" و بخش "گوا قدیم" را از دست ندهید.

یک رده لوکس تر از این اقامتگاه ها، قایق های نوع A هستند. این قایق ها دارای طرح های منحنی ویژه ای هستند که چهارچوب ها و سقف های خاتم کاری شده آن ها که از جنس چوب گردو هستند، حس و حال ویژه ای از نوع خاصی را به شما ارائه می کنند و با حضور در آن ها حس می کنید در زمان به سفر رفته اید و به دوران گذشته بازگشته اید. حضور در خانه های شناور می تواند فارغ از نوع انتخاب فرد، یک تجربه فراموش نشدنی را برای هر مسافری به همراه داشته باشد.

غذاهای گوا بسیار معروف هستند و مخلوطی از غذاهای پرتغالی، جنوب هند و عربی اند اما به سبب حضور همیشگی گردشگران، غذاهای متنوعی در همه جای شهر در دسترس است. گوا یکی از معدود مکان های هند است که اغلب رستوران های آن گوشت گاو هم سرو می کنند. تمامی این موارد باعث شده اند که گوا یکی از شهرهای معروف هند باشد. اگر به این شهر سفر کردید دیدن "ابشارهای دودهساگار" و "ساحل آگوندا" و بخش "گوا قدیم" را از دست ندهید.

خانه های قایقی

خانه های قایقی به صورت ویژه ای در کشمیر و کرالا محبوب هستند.

این نوع از اقامت گاه ها محدودهای بسیار گسترده دارند و در آن ها می توان تجربه هایی مانند یک خواب لوکس بر روی آب مانند تورهای چندروزه راحت بر روی رود گنگ و حتی

عصر گردشگری



شماره پانزدهم، پاییز ۹۷

باد زنگی

من یک بادم، باد سرگردان، باد زنگی دختر باد سهمو سهموی داغ جنوب، یک عصیانگر خاموشم، باد کوچکی که نمی خواست مثل بقیه باشه می خواست بیشتر از مرز های خودش و عشیرش دنیا رو ببینه، برای همین سهمو طردم کرد، از خونه بیروتم کرد و من راهی این سرزمین پر از عجایب شدم تا با چشمهام ببینم و با گوشهام بشنوم گه اینجا کجاست؟ اینجا که اسمش ایرانه.

مریم زارع، دانشجوی کارشناسی گردشگری

غصه هامون و چکوندیم تو دلشو ، او هم سر الله برگشت مروارید پسمون داد.

گفتم که خلیج قشنگیه، عروس دل جنوبه، تا دلت بخواد صخره های سخت سنگی و مرجانی داره که آب دریا مثل یه سفالگر ماهر شکلشون داده، آبش اینقدر زلاله اینقدر زلاله انگار آینه گرفته باشن بر زمین، چشم میندازی همچین صاف ماهی ها و خزه ها و مرجان ها و خرچنگ های کف دریا برات میرقصن. پر از علف و گیاه و پرنده هست این اطراف، بعضی هاشون مهاجر هستن یه فصل خاصی از سال میان. بعضی هاشونم نه، مثل مو پابند کوه های خاکی رنگ و صخره های ستون زده تو دل آب اینجاها هستن.

غروب که بشه و هوا بره رو به تاریکی از خلیج ما که نگاه کنی اون دوردستا یه سری مشعل و فانوس می بینی که از خود صبح تا شب آتیش از سرشون تنوره میزنه، کوه های اون ور

قسمت اول

خونه مو توی جنوبه، جایی که کیلومترها خط چشمای خاک ایران دریای آبی خلیجه، کوه ها و کوه ها داره تو دل خودش که هر کدوم خاک و خاطره و داستان خودشون رو دارن.

جایی که ما منزل داشتیم یه خلیج بود یه تیکه از نیلگون عظیم فارس که آمده بود بر صخره های تو در تو و سخت جا خوش کرده بود، محلیا بهش می گفتن نایبند، مو هیچوقت نفهمیدم چرا ، ولی خیلی قشنگ بود برای خودش، حتی تا همی اواخر که داشتم می اومدم عروسی بود تو چشم جنوب.

یکبار که پرسیدم گفتن اینجا بندر بوده قبلنا، کشتی ها تو طوفان می اومدن اینجا پناه گرفتن، تو زبون جنوب نای همیشه کشتی نایبند پناهگاه کشتی ها بوده تو طوفان و حال خراب دریا. اصلا اینجا همیشه پناهگاه بوده، برای مو و ماهوتا هم پناهگاه شد، شد همینجا که نشستیم تو آب زلالش و ذره ذره

عصر گردشگری

شماره نهم پاییز ۹۷



روشنه، شعله های آتیش اینجا و اونجا لکه لکه چراغ شدن و خواب کوه رو تو شب شکستن. یکبار که بیخواب شده بودم وسط شب اومدم لب ساحل و پامو گذاشته بودم تو آب خلیج و چشم دوخته بودم تو چشم کوه های اونور خلیج، انگار یه دایره دور زده باشن از جایی که مو باشم، اونجا همیشه چراغه، چرا هیچکی نمی خوابه پس؟ دستامو دراز کرده بودم دلم میخواست از رو دریا بلند بشم و بوزم ببینم اونجا چه خبره؟ پاهام که سست میشد که بره سهمو صدام کرد: دوباره کجا میخوای بری تو این سیاهی شب ور پریده؟ نگفتمت اونجا رفتن نداره؟ میمونی بر گیسای ماهوتا؟ نگفتمت؟

سرمو برگردوندم سمتشو گفتم: ولی سهمو این مشعل ها چین که صبح تا شب آتیشون زبونه میکشه؟ چرا نمی خوابن پس اینا، کوه خسته شد از بس خوابشو شکستن؟ سهمو گره ابروهاشو یکم باز کرد و گفت: خامی نه! جوونی، نمی فهمی فقط کلت پر از باده، مشعل نیستن خو اینا، چاهن چاه نفت، صبح و شب ندارن، همیشه میسوزن.

بیچاره کوه ها، بیچاره دریا، اینجا خیلی وقته خواب همه شکسته بچه، از وقتی آدمیزاد آمد از تو دل کوه و دریا نفت و گاز کشید بالا، گوگرد و هزار کوفت دیگه بردن از اینجا، اینجا خیلی وقته حال زمین و زمون خرابه، کوه هاش مریض دیگه قصه و افسانه نمی گن تو دل شب، دریاشم ناخوشه، نگاه ماهیاشو! از وقتی آدمیزاد اومد این دور و اطراف حال همه مان خراب شد، به ما هم میرسه کم کم، کم مانده دیگه، کم.

راستم میگفت به ما هم رسید. موقعی که داستان رفتن مو پیش اومده بود دیگه آب اونقدر زلال نبود. رفتم لب ساحل خرچنگا رو پیدا کنم دیگه تو سنگا نبودن، صدفا گم رفته بودن و خزه ها هم سر جاشون نبودن، راست میگفت سهمو به ما هم رسیدن.

یه بار که دل و جرئتمو جمع کردم و صبح سحر زدم به بیخ راه تا ببینم چی میگذره این اطراف و اصلا کجا هستیم ما تو این کوه و کمر خدا؟ کناره دریا رو گرفتم و رفتم جلو، هرچه رفتم و از خلیج دور شدم صخره ها کمتر شدن و جای خودشونو دادن به یه ساحل سفید ماسه ای، مو که برام عجیب بود اومدم پائین بلکه ببینم اینجا چرا اینقدر سفیده؟ همش صدف و گوش ماهی و سنگ خورد شده بود که یواش یواش تو دل موجای دریا غلتیده بودن و بر ساحل زمین خورده بودن و شکسته بودن، سفید بودن و آبی میدرخشیدن تو آب که نگو، ولی چند بار دیدم که دست و پای بچه های کوچیک محلیا رو خراش می دن و صدای گریه هاشان می پیچید تو دل موجا، ولی برای موجا که فرقی نداره ناله سنگ و صدف و مرجان باشه یا آدمیزاد خدا، اساسا موجا گوش شنیدار ندارن به این چیزا.

اگه شما توی یه تیکه از جنوب بر این دریای نمور دنیا اومده

باشی فرقی نمی کنه بادی، سنگی، صخره ای یا که آدمیزاد، روزی هزار دفعه میشنوی که بهت می گن نرو سمت عمق دریا، دست های دریا درازه می کشد تو آغوشش، فکر می کنی چه قشنگه اینجا، بهت پس می ده زندگی رو، سیل میکنی تو دلش، ولی آمون آمون که وقتی راهش با تو نباشه یا تو بلد بزبون دریا نباشی، می برت، حالا هر چقدر هم که میخوای دست و پا بزنی و صدا بزنی و ناله کنی، موج موج آب غلیظ می پاشونه تو حلقه و صدات ته گلوی بغض کردت خفه میشه و تمامت میکنه، مال همینه که مردم اینجا میگن موجا گوش شنیدار ندارن به این چیزا، اصلا مال همینه که اینجا همه دوروبر خودشونو پر از بچه های کوچیک و قد و نیم قد میکنن، باد و آدمیزاد نداره. تو دلشون قدر یک تاریخ تلخ، ترس تلنبار شده از غروبایی که شب شده و جونای رشیدشون، مردای غیورشون، نون آورای سفره شون، ستونای خونشون رفتن تو دل دریا و هیچ برگشتی سیشون نبود. سینه هاشون حتی اگه خودشون عزیز از دست نداده باشن مالا مال درد و رنج عمیقیه که خاطره عمویی، دایی، پدري، پدربزرگی سنگینش کرده.

همون بار که نشسته بودم لب ساحل سفید ماسه ای دیدم یه زنی از محلیا که ماکسیه گشاد گل گلایش تو تنش زار میزد و دور پاهاش می پیچید همچین که راه می اومد، یه دستشو گذاشته بود رو شکم ورم کردشو با اون دست دیگش میخواست مچ دست دخترک کوچیک شیطونی رو که با قدمای ریزش پا تند می کرد لب آب رو بگیره، بچه آمون نمی داد و میخواست تن به آب برسونه، مادر جونشم که نمی تونست تن سنگینشو بیشتر از این تند بکنه خلقتش تنگ شده بود، بالاخره هم دستشو رها کرد و صدای دختر دیگش زد و گفت: حواست به این بلا گرفته باشه مهتا تره تو دل دریاها، دیشو خواب می دیدم که آب همچین اومد بالا که ازم گرفتتش...

اینجا خیلی بی هوا مد میشه نشستی سی خودت داری غروب و نگاه میکنی یهو می بینی آب اومده زیر پاهات و تا زانوت توی آبه.

داشتم زنه رو میگفتم بعدم نشست کنار خواهرش و گفت: به خدا دیگه خسته شدم، یادم نمیداد مو کی حامله نبودم. اونم گفت: حالا خدا تو شکر بکن که همشون سالمن، تازه تازه این یکی داره پسر میشه شیرین تره خو بعد چندتا دختر، دیگه ام کسی حرفت نمی زنه که فلانی یه پسر نتونست به خون خاندانمون بده، بریم روش زن بگیریم. اینا رو که میگفتن مو یاد سهمو و خودم افتادم، یاد درد مشتری که تو تمام تاریخ مثل طوق لعنت انداختن گردن تموم مادرا.

باد و آدمیزاد نداره، این حرفم بمونه گوشه دلت، آه والله که آه...
ووو اصلا یادم رفت داشتم برات میگفتم که رفته بودم سری



اطراف ممکنه چشمِت رو بگیره قوس گنبدی سفید آب انبارای قدیمی و متروکه ای هست که محلیا اون زمانا که آب بارون خدا خیلی دریغ نمیشد و هنوز خوب می بارید این جاها، زده بودن تو دل کوه ها و نزدیکی های ساحل. ولی مو نمی دوئم که هنوز آب دارن یا نه، هیچوقت خدا دلُم اونقدری قرص نشد که برم داخل یکیشون ببینم چه خبره؟

اینجا یه چیز که خیلی زیاده پشه هست، هوا که گرم بشه همچین زیاد میشن که نقطه نقطه آسمون و زمینو میبینی لکه تیره هست بعد که میری نزدیک میبینی بـلـله یه ذره جا هست و هزار تا پشه.

این محلیا اینقدر که از پشه تو عذاب هستن از آفتاب و گرما هیچیشون نیست، مو خودُم خیلی وقتا دلُم میسوزه براشون می وُزُم یکم بلکه این مزاحما بلند شن از سر زمین و راحتشون بزارن یکم.

وقتی یه باد باشی هیچوقت تو زندگیت اونقدری احساس مفید بودن نمی کنی که وقتی می وزی و یه نسیم خنکِ یه عالمه پشه رو از سر محلیا دور میکنه و اینقدر خوشحال می شن که اون خنده های از ته دلشون تو اون صورتای سبزه ی آفتاب خورده دل کوچیکت رو می بره. البته دل کوچیک مو اینجوریه ها، سهمو همیشه میگه تو هم مثل ماهوتا یه رگت خل و عارف مـسـلـکه، خب شایدم راست میگه.

ماهوتا آه ماهوتا...

توی جنوب وقتی یه باد جدید متولد میشه سورنا میزنن، مادرم میگه وقتی تو رو از تنوره داغ آسمون به دندون گرفتم سهمو

بزنم به اون دور و اطراف، ساحل سفید ماسه ای رو با زنه و قصه های دردش جا گذاشتم پشت سرم و بلند شدم به وزیدن که ببینم بعدش چیه؟

همچین که جلوتر رفتم تا چشم کار میکرد یه مشت درخت بودن که بعضیاشون ریشه تو دل آب داشتن و بعضیاشون آب تا خرخره شان رسیده بود و فقط یکم از سر و شاخه هاشان پیدا بود و بعضیاشونم که دورتر بودن انگار آب هنوز بهشون نرسیده بود ولی اونم میرسید حتما، کار دریا که نخورد نداره، حرف جزر و مده، حتما که بالا میاد آب، آخه روی تنه هاشون خط شوره بسته آب دریا پیدا بود. خیلی هم زیاد بودنا، همینطور تو دل هم تو دل هم شاخه گره زده بودن. برگاشونم سبز و پهن، مثل پنجه آدم.

یکم که اینورتر اومدم ولی همه چیز خشک تر بود دیگه ساحل صخره ای ما نبود، ساحل ماسه ای سفید و مردمونشم نبود، جنگل حرا و درخاشم نبودن، اینجا که زمین صاف تر شده بود محلیا یه جاده کشید بودن مثل ابرو تو صورت زمین.

نهایت هنر طبیعت این دور و اطراف درختای خسته ی خمیده ای بودن که نیم دایره وار سایه شون رو پهن کرده بودن رو زمین و همون خنکای کم جون شون بعضی موقع ها پناهگاه سگی، حیونی چیزی میشد، یعنی مو خودُم با چشمام دیدم یه سگ بی رمقی همچین لمیده بود تو سایه یه وجب از این درختا که معلوم بود خستشه، راستشو بخوای دلُم براش سوخت. مو هم یکم براش اون دور و اطراف وزیدم بلکه خنکترش بشه حیوون خدا. تنها چیز دیگه ای که اون دور و

عصر گردشگری

شماره نهم پاییز ۹۷



حاضر نشد برات سورنا بزنه، چون روز خوبی دنیا نیومده بودی، حتما که روزش سیاه بوده حتما که داغ داشته دلشون که این همه مردمش آه کشیدن بر آسمون و از سوز جگر هاشون مو به دنیا اومدم.

ولی وقتی پای اسمم میشه همه چی فرق میکنه، اسمم رو گذاشتن باد زنگی، باد زنگی، باد زنگی، زنگی زنگی...

یکبار به مادرم گفتم خو حالا چرا زنگی؟ گفت: اون دیگه قصه اش جداست تا اینجا هرچی غم داشت نومه تولدت تموم شد، دنیا که اومدی مادرم آمد بالای سرم تو رو ازم گرفت و بلند کرد روی دوتا دستاش، بر خورشید داغ و صدات کرد زنگی، خندیدی براش، خندیدی با اون صورت سبزه سوختن و مادرم همونجا گفت: این دختر میشه باد زنگی. میدانی مادرم سال ها توی هند مجاور معبد کریشنا ذکر میگفت، ذکر میگفت و سیل میکرد توی دل مردم اون دیار. بعد که بهش گفتم چرا زنگی گفت: راز داره این دختر، کریشنا بهم گفته از اینجا برو ماهوتا برو سمت بلدت که مسافر داری از سوار ما.

میگفت: توی معبد کریشنا وقتی زائرا اومدن و رفتن، وقتی ساکته و هوای بعد از ظهر داغه، گاهی وقتا چلچله سقف معبد که پر از زنگای سیاه و آهنیه کوچیکه با یه نسیم ملایم تکون میخوره و صدای جلینگ جلینگ زنگا سکوت محض آفتاب رو میشکنه، انگار که خود کریشنا داره اونجا سیل میکنه، رد میشه با قدم هاش. میگه خیلی وقتا گوشاشو تیز کرده و چشماشو محکم دوخته به معبد و سقف پر از زنگش بلکه ببینه این باد غریبه که این طور دلنواز میاد برای عشوه گری کیه؟ ولی هرچی بیشتر نگاه کرده کمتر دیده. برای همین وقتی تو رو گرفته بود بالا بر خورشید، یادش میاد به زنگای معبد کریشنا و سوار مسافر راه. اینجور شد که مو شد باد زنگی، عزیز دل خواسته ماهوتا و خشم فرو خورده و طغیان نکرده سهمو.

وقتی برای اولین بار از خونه زدم بیرون و زدم به دل جاده دنیا برام خیلی غریبه بود، غریبه و نا آشنا، دست و دلم میلرزید و چشمام برای چیزی که از دست داده بود گریه میکرد، یه تاریخ، یه خانواده.

ولی مو خواسته بودم که سفر کنم و حالا وقت پشیمونی نبود. از خونه ی مو که شروع کنی به سفر کردن، وقتی از جنوب بزنی به دل راه، به سمت قلب ایران هر چی از دریای آبی خلیج دور میشی هوا سبکتر می شه و شرجی هوا جای خودش رو به یه خنکای مطبوعی میده که توش میشه راحتتر نفس کشید، از گرمای خورشید کم میشه و سایه ها درازتر و جون دارتر میشن. یادم میاد وقتی اولین بار زده بودم به راه، طرفای غروب رسیده بودم بالای کوه های عجیبی که هیچکدومشون رو نمی شناختم، کوه های بزرگ به هم پیوسته ای که هر کدوم سه چهار برابر کوه های دیار مو بودن، خورشید داشت غروب می

کرد و این رشته کوه بزرگ هم به فراخور زمان داشت هیئت غول آسای ساکتش رو تسلیم سایه های شوم شب میکرد، انگار کن که خرس قهوه ای سنگینی تمام روز رو دویده بود و حالا داشت چمباتمه زنان هیکل عظیم خستش رو به دستای آن خواب میسپرد. نفیر نفس های سنگینش که میپیچید تو دل دشت ترس از ریشه ی تموم خار و خاشاکای اطراف جوونه میگرفت.

مو بی وقفه وزیده بودم و از نفس افتاده روی تیکه ای سنگ صخره ای غول پیکرکه با شیب زیاد از تو دل کوه بیرون زده بود نشسته بودم، زیر پام دره بزرگی بود و روبروم تا چشم کار میکرد خط افق رو همین رشته کوه بزرگ و وهم آلود قطع میکرد، آسمون نارنجی غروب رو به خودش گرفته بود و داشت رنگای گرمش رو مهمون چشمای مو می کرد، همه جا به شدت ساکت بود و باد دیگه ای اون اطراف نبود، از سهمو هم خبری نبود که طبق معمول شماتم کنه که چرا زلف هاتو رها کردی بر خاک پیش چشم خلق؟

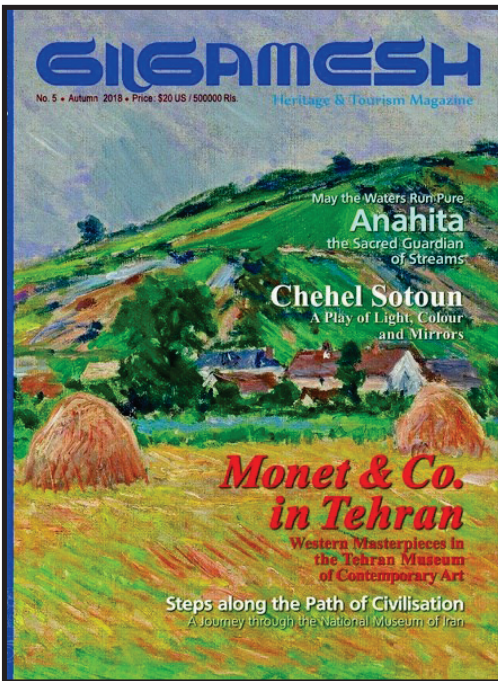
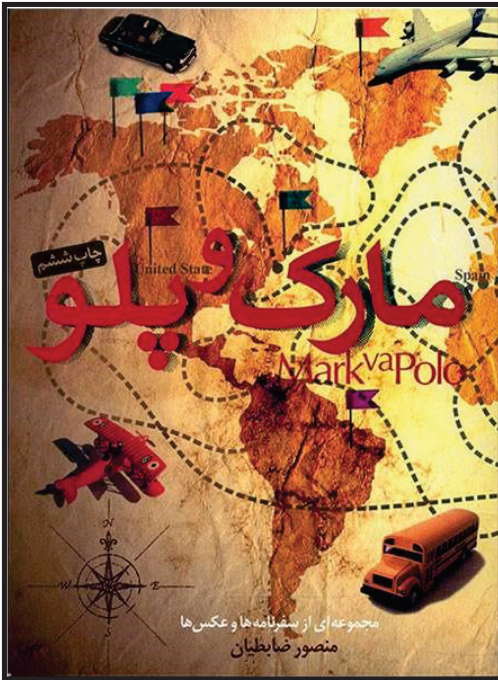
خسته بودم و دستام که تموم مدت سایبون چشمام روی آفتاب خیره سر شده بودن درد میکرد.

گره شالمو باز کردم و تاب موهامو رها کردم تو دل کوه... صخره ی دور و برم جون گرفته بود و خار و خاشاک زمین به هوا بلند شده بود، گل های صحرا تو هوا ول شدن و خازای لخت خودشون رو سفت با ریشه به زمین میکشیدن، دستامو ستون تنم کردم و بعد از مدتها دلم توی قرمز بی نهایت آسمون آرام گرفت...

اونجا بود که فهمیدم اساسا رفتن برای بعضی ها خود درمان حساب میشه، برای کسانی که نمی تونن خودشون رو تو قالب های معمول تعریف کنن، برای کسانی که بیشتر از زندگی میخوان، خیلی بیشتر از اونچه که دنیا تعارفشون میکنه، برای بادای کوچیک افسونگری که رویای ناتوم نیمه شبشون حس کردند.

حس کردن زندگی با تمام وجود.

معرفی کتاب



عصر
گردشگری

شماره نهم پاییز ۹۷





عَصْر
گردشگری

فصلنامه علمی دانشجویی انجمن علمی
مدیریت گردشگری و هتل‌داری دانشگاه شیراز
شماره یازدهم ■ ۲۰۰۰ تومان